

ایران توشه

- رانلور نمونه سوالات امتحانی
- رانلور گام به گام
- رانلور آزمون گاج و قلم چی و سنجش
- رانلور فیلم و مقاله آنلینرشی
- کنلور و مشاوره

 IranTooshe.ir

 [@irantooshe](https://t.me/irantooshe)

 [IranTooshe](https://www.instagram.com/IranTooshe)





پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۱۹ اسفند ماه ۱۴۰۱

ایران توشه

توشه ای برای موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام داری‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، محمدابراهیم توننده‌جانی، آروین حسینی، محمد حمیدی، اسماعیل زارع، احمدرضا ذاکرزاده، علیرضا عبدی، سعید عزیزخانی، امیر محمودیان، رحیم مشتاق‌نظم
اقتصاد	نسرین جعفری، سارا شریفی، مهدی ضیائی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، عزیز الیاسی‌پور، وحید رضازاده، سیدعلیرضا علویان، سجاد غلام‌پور سیوکی، فرهاد فروزان‌کیا، مجتبی فرهادی، حمید محدثی، یاسین مهدیان، هومن نمازی، سید محمد هاشمی
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، آریتا بیدقی، زینب آذری، فاطمه صفری، ارغوان عبدالملکی، شهریار عبدالله
عربی زبان قرآن	نوید امساک، ولی برجی، بهروز حیدریکی، حمیدرضا قائدامینی، مرتضی کاظم‌شیرودی، محمدعلی کاظمی نصرآبادی، سیدمحمدعلی مرتضوی، سیده محیا مؤمنی، پیروز وجان
تاریخ و جغرافیا	میلاد باغ‌شیخی، علیرضا رضایی، فاطمه سخایی، علی‌محمد کریمی، ملیحه گرجی، جواد میربلوکی، میلاد هوشیار
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، علیرضا تقی‌پور، سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، حسن صدری، فرهاد قاسمی‌نژاد، علیرضا نصیری
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، محمد رسائی، مهسا عفتی، فرهاد علی‌نژاد

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمدابراهیم توننده‌جانی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی، علی ارجمند	الهه شهبازی
اقتصاد	مهدی ضیایی	سارا شریفی	فاطمه صفری	زهره قموشی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان، هومن نمازی	فریبا رثوفی
جامعه‌شناسی	ارغوان عبدالملکی	فاطمه صفری	کوثر شاه‌حسینی	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	نوید امساک	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی، احسان کلاته‌عربی	لیلا ایزدی
تاریخ	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	فاطمه فوقانی
جغرافیا	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	
منطق و فلسفه	سبا جعفرزاده صابری	نیما جواهری	فرهاد علی‌نژاد	زهره قموشی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	فرهاد علی‌نژاد	

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	زهره دامیار
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



ریاضی و آمار (۳)

مطلوب سؤال برابر است با:

$$S_6 = \frac{a_1(1-r^6)}{1-r} = \frac{1-\frac{1}{64}}{1-r} = \frac{\frac{63}{64}}{\frac{1}{2}} = \frac{63}{32}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۷ تا ۸۴)

(سعید عزیزقانی)

۵- گزینه «ا»

نکته: اگر a واسطه حسابی b و c باشد:

$$2a = b + c$$

اگر a واسطه هندسی b و c باشد:

$$a^2 = bc$$

a واسطه حسابی k و $a+1$ است. بنابراین:

$$2a = a+1+k \Rightarrow a = k+1$$

a واسطه هندسی $k+1$ و $a-1$ است. بنابراین:

$$a^2 = (a-1)(k+1) \xrightarrow{k+1=a} a^2 = (a-1)a$$

$$\Rightarrow a^2 = a^2 - a \Rightarrow a = 0$$

$$a = k+1 \xrightarrow{a=0} k = -1$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطبی و غیرقطبی، صفحه‌های ۶۱ تا ۸۴)

(آروین حسینی)

۶- گزینه «ب»

طبق نمودار صورت سؤال $a_1 = 6$ و $a_7 = 12$ است. پس قدرنسبت برابر است با:

$$r = \frac{\text{جمله بعدی}}{\text{جمله قبلی}} = \frac{12}{6} = 2$$

حال مجموع ده جمله اول آن را به دست می‌آوریم:

$$S_n = \frac{a_1(1-r^n)}{1-r} \xrightarrow{n=10} S_{10} = \frac{a_1(1-r^{10})}{1-r}$$

$$\xrightarrow{a_1=6, r=2} S_{10} = \frac{6(1-2^{10})}{1-2} = \frac{6(1-1024)}{-1}$$

$$= \frac{6(-1023)}{-1} = 6138$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۷ تا ۸۱)

(علیرضا عبیدی)

۷- گزینه «ب»

می‌دانیم $S_n - S_{n-1} = a_n$ پس اختلاف مجموع ۵ جمله اول و ۴ جمله اول برابر جمله پنجم است.

$$S_n = 2n(n+1)$$

$$S_5 = 2 \times 5 \times 6 = 60$$

$$S_4 = 2 \times 4 \times 5 = 40$$

$$a_5 = S_5 - S_4 = 60 - 40 = 20$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطبی، صفحه‌های ۶۶ تا ۷۰)

(امیر مومریان)

۸- گزینه «ب»

ابتدا جملات ششم و یازدهم دنباله داده شده را به دست می‌آوریم:

$$a_n = \begin{cases} 2n+5 & \text{فرد } n \\ -a_{n-1}+6 & \text{زوج } n \end{cases}$$

$$n=6 \xrightarrow{\text{زوج است}} a_6 = -a_5 + 6$$

(ابوالفضل بویاری)

۱- گزینه «ب»

ابتدا اختلاف مشترک دنباله را می‌یابیم، سپس به کمک رابطه

$$d = \frac{a_n - a_m}{n - m}$$

$$a_{13} = a_{14} - 7 \Rightarrow a_{14} = a_{13} + 7 \Rightarrow d = 7$$

$$d = \frac{a_{17} - a_{14}}{17 - 14} \xrightarrow{d=7} 7 = \frac{a_{17} - a_{14}}{3} \Rightarrow a_{17} - a_{14} = 21$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطبی، صفحه‌های ۷۱ و ۷۲)

(مهدی ابراهیم توزنده‌بانی)

۲- گزینه «ب»

در دنباله هندسی داریم:

$$\frac{a_{10}}{a_7} = \frac{ar^9}{ar^6} = r^3 = 27 \Rightarrow r = 3$$

از طرفی $a_4 = 81$ است، لذا:

$$a_4 = a_1 r^3 = 81 \xrightarrow{r=3} a_1 (3)^3 = 81 \Rightarrow 27a_1 = 81$$

$$\Rightarrow a_1 = \frac{81}{27} = 3$$

برای محاسبه مجموع ۵ جمله اول این دنباله داریم:

$$S_5 = \frac{a_1(1-r^5)}{1-r} = \frac{3(1-(3)^5)}{1-3} = \frac{3(1-243)}{1-3} = \frac{3(242)}{2} = 363$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۷ تا ۸۴)

(ابوالفضل بویاری)

۳- گزینه «ب»

با توجه به اطلاعات سؤال داریم:

$$S_n = \frac{n}{2}(2a_1 + (n-1)d), S_{11} = 110, a_9 = 16$$

$$S_{11} = \frac{11}{2}(2a_1 + (11-1)d) = 110 \Rightarrow 110 = 11(a_1 + 5d)$$

$$\Rightarrow a_1 + 5d = 10$$

از طرفی می‌دانیم $a_9 = a_1 + 8d = 16$:

$$\begin{cases} a_1 + 5d = 10 \\ a_1 + 8d = 16 \end{cases} \xrightarrow{\times(-1)} \begin{cases} -a_1 - 5d = -10 \\ a_1 + 8d = 16 \end{cases}$$

$$3d = 6 \Rightarrow d = \frac{6}{3} = 2$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطبی، صفحه‌های ۶۱ تا ۷۲)

(امیررضا ذاکر زاده)

۴- گزینه «ب»

با توجه به جمله عمومی دنباله هندسی و رابطه داده شده، داریم:

$$\frac{a_1 a_2 a_3}{(a_4)^3} = \frac{a_1 \times a_1 r \times a_1 r^2}{(a_1 r^3)^3} = \frac{a_1^3 r^3}{a_1^3 r^9} = \frac{1}{r^6} = \frac{1}{64} \Rightarrow r = \pm \frac{1}{2}$$

دنباله کاهشی
با جمله اول مثبت $\rightarrow r = \frac{1}{2}$



ریاضی و آمار (۱)

۱۱- گزینه «۱»
 (مهمبر ابراهیم توزنره بانی)
 بهترین روش گردآوری در بررسی رضایت مشتریان از کیفیت غذای ارائه شده در یک رستوران روش پرسشنامه است.
 در بررسی تعداد فوتی‌های نوروز ۱۴۰۱ در تصادفات جاده‌ای روش دادگان‌ها و میزان رضایت مشتریان بانک، پرسشنامه است.
 (ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۶ تا ۸۲)

۱۲- گزینه «۳»
 (ابوالفضل بوعاری)
 «رنگ چشم» و «رشته تحصیلی» ← کیفی اسمی
 «دمای شهر تهران» ← کمی فاصله‌ای
 «رتبه افراد در کنکور سراسری» ← کیفی ترتیبی
 «طول مکالمات تلفنی» ← کمی نسبی
 (ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۰ تا ۸۲)

۱۳- گزینه «۲»
 (سعید عزیزبانی)
 مجموع اختلاف داده‌ها از میانگین برابر صفر است:
 $-5 - 4 - 2 + 0 + 0 + 3 + 4 + x = 0 \Rightarrow x = 4$
 با جایگذاری $x = 4$ سه داده جدید ۶ و ۱۱ و ۴ هستند. با توجه به اینکه با اضافه کردن این ۳ داده به هشت داده موجود میانگین تغییری نمی‌کند بنابراین میانگین سه داده با میانگین ۸ داده یکسان است:

$$\bar{x} = \frac{4 + 11 + 6}{3} = \frac{21}{3} = 7$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۱۴- گزینه «۳»
 (آروین حسینی)
 تعداد دفعات تکرار داده ۷ را x در نظر می‌گیریم، آنگاه داریم:

$$\bar{x} = \frac{1(3) + 3(4) + 2(5) + 3(6) + x(7) + 1(8)}{1 + 3 + 2 + 3 + x + 1}$$

$$= \frac{3 + 12 + 10 + 18 + 7x + 8}{10 + x} = \frac{51 + 7x}{10 + x} = 6.05$$

طرفین وسطین $\Rightarrow 51 + 7x = 60.5 + 6.05x \Rightarrow 0.95x = 9.5$
 $\Rightarrow x = \frac{9.5}{0.95} = 10$
 در نتیجه به جای علامت «؟» باید ۱۰ نقطه قرار دهیم.
 (ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۶)

۱۵- گزینه «۳»
 (امد رضا ذاکر زاده)
 داده‌ها را مرتب می‌کنیم
 ۵, ۶, ۷, ۷, ۸, ۱۰, ۱۱, ۱۳, ۱۳
 $8 = \text{داده پنجم} = \text{میانۀ فرد} \Rightarrow \text{تعداد داده‌ها} = 9$
 داده‌های جدید:
 ۸, ۱۰, ۱۱, ۱۳, ۱۳

پس به a_5 نیاز است: $a_5 = 2 \times 5 + 5 = 15$
 $\Rightarrow a_6 = -15 + 6 = -9$
 $a_{11} = 2 \times 11 + 5 = 27$

پس جملات چهارم و بیست و هشتم دنباله حسابی به ترتیب برابر با -9 و 27 است. (b_n جمله عمومی دنباله حسابی است.)

$$\begin{cases} b_4 = -9 \Rightarrow b_1 + 3d = -9 \\ b_{28} = 27 \Rightarrow b_1 + 27d = 27 \end{cases}$$

$$\xrightarrow{+} 24d = 36$$

$$d = \frac{36}{24} = \frac{3}{2}$$

$$b_1 + 3d = -9 \Rightarrow b_1 + 3 \times \frac{3}{2} = -9 \Rightarrow b_1 + \frac{9}{2} = -9$$

$$\Rightarrow b_1 = -9 - \frac{9}{2} = -\frac{27}{2} \Rightarrow b_n = -\frac{27}{2} + (n-1) \times \frac{3}{2}$$

حال تعداد جملات منفی را می‌خواهیم؛ یعنی $b_n < 0$:

$$-\frac{27}{2} + (n-1) \times \frac{3}{2} < 0$$

$$\Rightarrow -\frac{3}{2}n - \frac{3}{2} < \frac{27}{2} \Rightarrow -\frac{3}{2}n < \frac{30}{2} \Rightarrow n < 10 \Rightarrow n \leq 9$$

یعنی ۹ جمله این دنباله منفی است.
 (ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطعی، صفحه‌های ۷۷ تا ۸۳)

۹- گزینه «۳»
 (مهمر عمیری)
 ارزش کالا در سه سال اخیر تشکیل یک دنباله هندسی کاهشی با جملات زیر می‌دهد:

$$800, 680, 578, \dots \Rightarrow r = \frac{a_2}{a_1} = \frac{680}{800} = \frac{17}{20} = 0.85$$

$$15\% = (1-r) \times 100 = (1-0.85) \times 100 = 15\%$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطعی، صفحه‌های ۷۷ تا ۸۰)

۱۰- گزینه «۳»
 (مهمبر ابراهیم توزنره بانی)
 اگر a_p و a_n و a_m جملات یک دنباله حسابی باشند که با یکدیگر تشکیل دنباله هندسی می‌دهند قدر نسبت دنباله هندسی از رابطه $r = \frac{p-n}{n-m}$ به دست می‌آید.

$$a_2, a_5, a_{11} \Rightarrow r = \frac{11-5}{5-2} = \frac{6}{3} = 2$$

مجموع ۳ جمله اول دنباله هندسی ۲۱ است. بنابراین داریم:

$$t_1 + t_2 + t_3 = 21 \Rightarrow t_1 + t_1 r + t_1 r^2 = 21$$

$$\xrightarrow{r=2} t_1 + 2t_1 + 4t_1 = 21$$

$$\Rightarrow 7t_1 = 21 \Rightarrow t_1 = 3$$

در نهایت برای محاسبه مجموع ۷ جمله اول داریم:

$$S_7 = \frac{t_1(1-r^7)}{1-r} = \frac{3(1-2^7)}{1-2} = 381$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی و غیرقطعی، صفحه‌های ۶۱ تا ۸۵)



(معمد همپری)

۱۸- گزینه «۳»

اگر تعداد متغیرها را در حالت اول x در نظر بگیریم، تعداد متغیرها در حالت دوم $2x$ خواهد شد، زاویه بین پرهه در نمودار راداری از رابطه زیر به دست می آید:

$$\text{تعداد متغیرها} = \frac{360^\circ}{\text{زاویه بین پرهه}}$$

$$\Rightarrow \text{زاویه بین متغیرها در حالت اول} = \frac{360^\circ}{x}$$

$$\text{زاویه بین متغیرها در حالت دوم} = \frac{360^\circ}{2x} = \frac{180^\circ}{x}$$

$$\frac{360^\circ}{x} - \frac{180^\circ}{x} = \frac{180^\circ}{x} = 45^\circ \Rightarrow x = \frac{180^\circ}{45^\circ} = 4$$

$$\left. \begin{aligned} \text{تعداد متغیرها در حالت اول} &= 4 \\ \text{تعداد متغیرها در حالت دوم} &= 8 \end{aligned} \right\} \Rightarrow |4-8| = |-4| = 4$$

(ریاضی و آمار، (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۱۷)

(ابوالفضل بوری)

۱۹- گزینه «۱»

نمره‌های هر درس را به دست می آوریم:

$$\text{نمره ریاضی} = \frac{25}{100} \times 14 = \frac{1}{4} \times 14 = \frac{14}{4} = 3.5$$

$$\text{نمره ادبیات} = \frac{50}{100} \times 16 = \frac{1}{2} \times 16 = \frac{16}{2} = 8$$

$$\text{نمره اقتصاد} = \frac{90}{100} \times 20 = \frac{9}{10} \times 20 = \frac{180}{10} = 18$$

$$\text{نمره فلسفه} = \frac{40}{100} \times 14 = \frac{2}{5} \times 14 = \frac{28}{5} = 5.6$$

$$\text{نمره عربی} = \frac{80}{100} \times 18 = \frac{4}{5} \times 18 = \frac{72}{5} = 14.4$$

$$\text{میانگین} = \frac{3.5 + 8 + 18 + 5.6 + 14.4}{5} = \frac{49.5}{5} = 9.9$$

(ریاضی و آمار، (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۱۷)

(آروین حسینی)

۲۰- گزینه «۳»

می دانیم میانگین داده‌ها $12/7$ است، پس:

$$\bar{x} = \frac{23 + 6 + 15 + 3 + 12 + 13 + 10 + 20 + a + 7}{10} = 12/7$$

$$\Rightarrow 109 + a = 127 \Rightarrow a = 127 - 109 = 18$$

منظور از R و IQR به ترتیب دامنه تغییرات و دامنه میان چارکی است، بنابراین برای تعیین آن‌ها ابتدا داده‌ها را از کوچک به بزرگ مرتب کرده سپس چارک‌ها را مشخص می‌کنیم:

$$3, 6, 7, 10, 12, 13, 15, 18, 20, 23$$

$$Q_1 = 7 \quad Q_2 = \frac{12+13}{2} = 12.5 \quad Q_3 = 18$$

حال داریم:

$$IQR = Q_3 - Q_1 = 18 - 7 = 11$$

$$R = \max - \min = 23 - 3 = 20$$

$$\Rightarrow IQR + R = 11 + 20 = 31$$

(ریاضی و آمار، (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۶ تا ۱۰۹)

$$\bar{x} = \frac{8+10+11+2 \times 13}{5} = \frac{55}{5} = 11$$

$$\Rightarrow \sigma^2 = \frac{(-3)^2 + (-1)^2 + 0^2 + 2 \times 2^2}{5} = \frac{18}{5} = 3.6$$

(ریاضی و آمار، (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۸۹ تا ۱۹۱)

۱۶- گزینه «۱»

(سعید عزیزقانی)

با توجه به صورت سؤال داریم:

$$x_1^2 + x_2^2 + \dots + x_n^2 = 20\bar{x}^2 + 8000$$

$$\sigma^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n} =$$

$$\frac{x_1^2 + \bar{x}^2 - 2x_1\bar{x} + \dots + x_n^2 + \bar{x}^2 - 2x_n\bar{x}}{n} =$$

$$\frac{x_1^2 + x_2^2 + \dots + x_n^2}{n} - \frac{2\bar{x}(x_1 + x_2 + \dots + x_n)}{n} + \frac{n\bar{x}^2}{n}$$

$$= \frac{x_1^2 + x_2^2 + \dots + x_n^2}{n} - \bar{x}^2$$

$$\bar{x} \text{ پس با استفاده از رابطه } \sigma = \sqrt{\frac{x_1^2 + x_2^2 + \dots + x_n^2}{n} - \bar{x}^2} \text{ که در آن}$$

برابر میانگین داده‌ها و n برابر تعداد داده‌ها و $x_1^2 + x_2^2 + \dots + x_n^2$ برابر مجموع مربعات داده‌ها است، انحراف معیار را محاسبه می‌کنیم و برای $n = 20$ داریم:

$$\sigma = \sqrt{\frac{x_1^2 + x_2^2 + \dots + x_n^2}{20} - \bar{x}^2} = \sqrt{\frac{20\bar{x}^2 + 8000}{20} - \bar{x}^2}$$

$$= \sqrt{\frac{20\bar{x}^2}{20} + \frac{8000}{20} - \bar{x}^2} = \sqrt{400} = 20$$

(ریاضی و آمار، (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۸۹ تا ۱۹۱)

۱۷- گزینه «۱»

(امیر مهوریان)

تعداد داده‌ها ۵ تا است. پس از مرتب کردن داده‌ها، سومین داده برابر میانه است؛ یعنی $4x-1$.

$$\bar{x} = \frac{4x+2+3x+4+4x-1+2x+4+5x+5}{5}$$

$$= \frac{18x+14}{5}$$

میانگین، یک واحد بیشتر از میانه است:

$$\frac{18x+14}{5} = 4x-1 \Rightarrow \frac{18x+14}{5} = 4x$$

$$\Rightarrow 18x+14=20x \Rightarrow x=7 \Rightarrow \bar{x} = \frac{18 \times 7 + 14}{5} = 28$$

پس داده‌ها (سن شرکت کنندگان) به صورت مقابل است:

$$18, 25, 27, 30, 40$$

$$\sigma^2 = \frac{(18-28)^2 + (25-28)^2 + (27-28)^2 + (30-28)^2 + (40-28)^2}{5}$$

$$= \frac{100+9+1+4+144}{5} = \frac{258}{5} = 51.6$$

(ریاضی و آمار، (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۸۹ تا ۱۹۱)



علوم و فنون ادبی (۳) و (۲)

۲۱- گزینه «۴»

(عزیز الیاسی پور)

موارد «الف، ج، د و ه» اشتباه هستند. آتش خاموش و سووشون، اثر سیمین دانشور هستند. (موارد الف و د) عبارت «ج» مربوط به سید محمدعلی جمالزاده است. مورد «ه» هم مربوط به سیدمهدی شجاعی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۷۴ و ۸۰)

۲۲- گزینه «۴»

(عزیز الیاسی پور)

استفاده از ردیف‌های طولانی مربوط به ویژگی ادبی سبک هندی است، نه زبانی.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۱ و ۸۲)

۲۳- گزینه «۲»

(فرهاد فروزان‌کیا)

بیت «ج» از مولوی است که از شاعران سبک عراقی است. بیت «د» هم از دیگر شاعر این سبک، اوحدی مراغه‌ای است. در این ابیات، غم‌گرایی و فراق برجسته است که از ویژگی‌های سبک عراقی است. ضمناً اثری هم از ویژگی‌های سبک هندی در آن‌ها دیده نمی‌شود.

ویژگی‌های سبک هندی در ابیات دیگر:

الف) بی‌توجهی به ساختار دستوری (ویژگی زبانی سبک هندی): آسودیده [آسوده] و پیریده‌تر [ترکیب ساختگی و نادرست به‌جای صفت پیرتر].

ب) کاربرد واژگان عامیانه دارد که از ویژگی‌های سبک هندی است؛ این امر محصول روی آوردن عامه مردم به شعر است: پشت چشم نازک کردن (اصطلاح عامیانه، کنایه از ناز و عشوهِ از سر غرور)

ه) در این بیت، آرایه اسلوب معادله مشاهده می‌شود که از آرایه‌های پرکاربرد در سبک هندی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۱ و ۸۲)

۲۴- گزینه «۲»

(مسنن اصغری)

در بیت گزینه «۲»، سه کنایه و در سایر ابیات، دو کنایه به‌کار رفته است:

پرده خود دریدن - شاخ خودی بریدن - بیخ خودی کندن

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تنگ بودن دل - شیشه طاق بر سنگ آمدن

گزینه «۳»: سیر بودن چشم - سیه کاسه بودن دهر

گزینه «۴»: دست به دامان رسیدن - دست از دامان کوتاه کردن

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۹۵ تا ۹۷)

۲۵- گزینه «۳»

(یاسین مهریان)

جناس ناهمسان: «روز» و «روزی»: جناس ناهمسان افزایشی / «سیاه شدن روز (روزگار)»: کنایه از پریشان حالی است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «در» و «بر»: جناس ناهمسان اختلافی / فاقد کنایه

گزینه «۲»: «چنبر» و «عنبر»: جناس ناهمسان اختلافی / فاقد کنایه

گزینه «۴»: فاقد جناس ناهمسان / «چهره کسی را نیلوفری کردن»: کنایه از

ترساندن وی

(علوم و فنون ادبی، بیان و برید، ترکیبی)

۲۶- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا علویان)

بیت (ب): «مخلوق» و «خلق»: اشتقاق

بیت (ج): دامن گرفتن (مصراع دوم) کنایه از اثر کردن است.

بیت (د): «جو» در معنی مقیاس وزن به‌کار برده شده است که در معنای دیگر آن یعنی نوعی از غلات با گندم تناسب دارد (ایهام تناسب).

(علوم و فنون ادبی، بیان و برید، ترکیبی)

۲۷- گزینه «۴»

(مسنن اصغری)

در همه گزینه‌ها یک ایهام به‌کار رفته است؛ اما در گزینه «۴»، دو ایهام به‌کار رفته است.

قانون: ۱- نوعی ساز ۲- نظم

بنوازم: ۱- مرا نوازش کن ۲- ساز بزن

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: سیه‌روی: ۱- شرمنده ۲- مثل قلم دارای چهره سیاه

گزینه «۲»: مهر: ۱- عشق و محبت ۲- خورشید (واژه‌های «شیرین» و «شکر» ایهام تناسب دارند؛ نه ایهام)

گزینه «۳»: عین: ۱- مثل ۲- چشمه

(علوم و فنون ادبی (۳)، برید معنوی، صفحه‌های ۸۹ و ۹۰)

۲۸- گزینه «۲»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

در این گزینه «دم» مجاز از لحظه؛ واژه «روی» دارای دو معنی است: ۱-

چهره ۲- وجه (به هیچ روی - به هیچ وجه - تحت هیچ شرایطی)

و در اینجا در معنی «وجه» صحیح است و در معنی «چهره» غیرقابل قبول و در معنی غیرقابل قبول با «قدم» تناسب می‌سازد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ای شمع: استعاره است و این بیت تشبیه ندارد.

گزینه «۳»: عرعر (درخت سرو کوهی)

در اینجا تشبیه مرجح (تفضیلی) داریم که شاعر قامت معشوق را از قامت سرو بالاتر در نظر گرفته است؛ اما در این بیت ایهام وجود ندارد و کلمه «بو» تنها در یک معنی رایحه قابل قبول است.

گزینه «۴»: در این بیت (نقش بر آب زدن) کنایه از کار بی‌ثبات و بیهوده کردن است؛ اما این بیت ایهام ندارد.

(علوم و فنون ادبی، بیان و برید، ترکیبی)

۲۹- گزینه «۴»

(هومن نمازی)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ۲ تشبیه دارد: ۱- تشبیه معانی به مریم مقدس، ۲- تشبیه خود (شاعر) به روح‌القدس؛ که این تشبیه اغراق گونه است. / بیت فاقد ایهام است.

گزینه «۲»: تشبیه خاک راه قدم‌های معشوق به توتیا / گر دهد دستم: ۱- اگر ممکن و میسر شود ۲- اگر دستش را به من دهد. / بیت اغراق ندارد.

گزینه «۳»: ایهام: بخوانی: ۱- دعوتش کنی یا صدایش بزنی ۲- خواندن نامه / تشبیه گسترده در مصراع اول / اغراق ندارد.

گزینه «۴»: ایهام: موی کمرها: ۱- تشبیه کمر به مو (از جهت باریکی) ۲- مویی که تا کمر می‌آید. / اغراق در تشبیه کمر به مو

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، بیان و برید، ترکیبی)

**اختیارات وزنی سایر ابیات:**

- گزینه «۱»: ۱- تبدیل فعلاتن (رکن دوم مصراع نخست) به مفعولن (ابدال)
 ۲- بلند بودن هجای پایان مصراع اول
 گزینه «۲»: ۱ و ۲: تبدیل فعلن به فعلن در پایان هر دو مصراع
 گزینه «۳»: ۱- تبدیل فعلاتن (رکن دوم مصراع نخست) به مفعولن (ابدال)
 ۲- تبدیل فعلن به فعلن در پایان مصراع اول
 (علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۴- گزینه «۳»

- (سیرعلیرضا احمدی)
 در پایان مصراع‌های «۱»، «۲» و «۴»، فعلن به فعلن تبدیل شده است؛ اما در گزینه «۳» این اختیار وجود ندارد.
 پ / ی / آنک = فعلن
 ن / ا / رست = فعلن
 (علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۱۵)

۳۵- گزینه «۴»

- (سیرعلیرضا احمدی)
 وزن ابیات: «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن»
 در رکن اول مصراع اول و دوم و رکن دوم مصراع دوم قلب داریم.
 تقطیع بیت گزینه «۴»:
 ش / دن / ب / ا / چر = (مفاعلن) - ز / عل / م / ها = (مفاعلن) - س / خن / ب / ا / را = (مفاعلن)
 (علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۱۶)

۳۶- گزینه «۲»

- (سیرعلیرضا احمدی)
 در این گزینه قلب وجود دارد. وزن بیت «مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن» است. در رکن دوم مصراع اول قلب دیده می‌شود (تبدیل مفاعلن به مفتعلن). در سایر گزینه‌ها اختیار وزنی ابدال وجود دارد. (تبدیل مفتعلن به مفعولن)
 گزینه «۱»: بل / ایل / بر = مفعولن
 گزینه «۳»: گو / ای / با = مفعولن
 گزینه «۴»: خن / دد / زان = مفعولن
 (علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۶)

۳۷- گزینه «۲»

- (سیرعلیرضا احمدی)
 بیت فاقد اختیار آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن است.
 در مصراع دوم اختیار بلند بودن هجای پایانی مصراع وجود دارد.
تشریح سایر گزینه‌ها:
 گزینه «۱»: عش / اق / چن / نا = فاعلاتن
 در مصراع اول و دوم اختیار بلند بودن هجای پایانی مصراع وجود دارد.
 گزینه «۳»: حس / ان / یو / سف = فاعلاتن
 در پایان هر دو مصراع اختیار بلند بودن هجای پایانی مصراع دیده می‌شود.
 گزینه «۴»: می / ار / این / اکا = فاعلاتن
 در پایان هر دو مصراع اختیار بلند بودن هجای پایانی مصراع دیده می‌شود.
 (علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۳۰- گزینه «۲»

- (یاسین موریان)
 «ایهام»: «بازی» در مصراع دوم، دو معنا دارد: ۱- همانند باز رفتار کردن، ۲- بازی و سرگرمی؛ که هر دو معنا پذیرفتنی است.
 «استعاره»: «کبک خسته» استعاره از مخاطب شاعر
 «ایهام تناسب»: «باز» در مصراع اول، دو معنا دارد: ۱- بازگشتن، ۲- پرنده باز؛ که در این معنا، قابل جای‌گذاری نیست؛ ولی با «پرواز»، «کبک» و «بازان» تناسب دارد.
 «تضاد»: «کبک» و «باز (بازان)» به‌طور نمادین، با یکدیگر تضاد دارند.
 آرایه‌های «کنایه»، «مجاز» و «متناقض‌نما» در این بیت مشهود نیست.
 (علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

۳۱- گزینه «۳»

- (مبینی فرهاری)
 تشخیص: نوآوری آموختن به رباب / ایهام: بیت فاقد ایهام و «چنگ» با «رود» و «رباب» ایهام تناسب ساخته است. (معنی بیت: هنگامی که معشوق رامشگر من دست به ساز می‌برد و شروع به رامشگری می‌کند، من چنان به فغان و فریاد می‌آیم که با ناله و فغان خویش به رباب نوآوری می‌آموزم).
تشریح گزینه‌های دیگر:

- گزینه «۱»: تشبیه: «صبر» به «کشته» تشبیه شده است. / ایهام تناسب: صبر: ۱- شکیبایی (معنی مورد نظر) ۲- گیاهی تلخ (که در اینجا که معنی مراد نیست با «ورق، بر، کشته، بیخ» تناسب دارد).
 گزینه «۲»: پارادوکس: از ملک سلیمان وسیع‌تر و در چشم تنگ مور جای گرفتن / تلمیح: اشاره به داستان حضرت سلیمان (ع)
 گزینه «۴»: مجاز: «شیخ و شاب» مجاز از همه مردم / تضاد: شیخ و شاب (مرد پیر و مرد جوان)
 (علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

۳۲- گزینه «۱»

- (سیرعلیرضا احمدی)
 اختیار شاعری بلند بودن هجای پایان نیم‌مصراع اول و سوم در بیت «ب»: هجاهای «مام» و «شیر» بلند تلقی می‌شود.
 اختیار شاعری ابدال در بیت «د»: تبدیل فعلن به فعلن در پایان هر دو مصراع
توضیح نکته درسی:

- طبق پاورقی صفحه ۸۴ کتاب درسی علوم و فنون ادبی (۳)، در صورتی که هجای پایانی نیم‌مصراع کوتاه یا کشیده باشد، بر مبنای اختیار بلند بودن هجای پایانی، آن را بلند تلقی می‌کنیم.
 (علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۳- گزینه «۴»

- (سیرعلیرضا احمدی)
 توجه: همه ابیات در وزن «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن» سروده شده‌اند.
 اختیارات وزنی مشهود در بیت گزینه «۴»: ۱- تبدیل فعلاتن (رکن دوم مصراع نخست) به مفعولن (ابدال) ۲- بلند بودن هجای پایان مصراع اول ۳ و ۴- تبدیل فعلن به فعلن در پایان هر دو مصراع



۳۸- گزینه «۲»

(مفسر اصغری)

مفهوم مشترک ابیات: لزوم پیروی کردن از پیر و مرشد برای رسیدن به کمال
مفهوم بیت گزینه «۲»: بیانگر تحمل سختی‌های راه عشق نزد عاشقان
(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۹۳)

۳۹- گزینه «۳»

(سید ممد هاشمی)

در صورت سؤال، به عدم اختیار تأکید شده است و نقطه مقابل آن، داشتن
اختیار است. در گزینه «۳»، شاعر بین عالم‌بودن و یا عابدبودن، یکی را
انتخاب کرده است و «اختیار» در این بیت به معنای «انتخاب» است، نه
مفهوم مقابل جبرگرایی. در گزینه‌های دیگر به جبر اشاره شده است و
عاشقان از خود اختیاری ندارند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۸۶)

۴۰- گزینه «۱»

(سید ممد هاشمی)

در بیت این گزینه، شاعر عشق را بر عقل ترجیح داده است و می‌گوید: اگر
کسی از جام عشق بنوشد، از رنج عقل استدلال‌گرها خواهد شد. در صورت
سؤال نیز گفته شده است: از روی ناچاری با عقل استدلال‌گر همراه گشتم و
بسیار آزار دیدم. در دیگر گزینه‌ها از عقل به‌عنوان چراغی فروزان و ترازو و
میزانی دقیق یاد شده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۱۰۱)

علوم و فنون ادبی (۱)

۴۱- گزینه «۳»

(عزیز الیاسی‌پور)

موارد «الف و د» غلط هستند.
الف) ویژگی اصلی نثر موزون به‌کارگیری سجع است.
د) کلیله و دمنه نمونه نثر فنی است، نه موزون.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

۴۲- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

آرایه‌های ادبی فراوان، امثال و اشعار عربی و پارسی گوناگون و اصطلاحات
علمی از ویژگی‌های نثر فنی است که برخی از آن‌ها را در عبارت صورت سؤال
می‌بینیم. نخستین نمونه نثر فنی «کلیله و دمنه» است که در قرن ششم
تألیف شده است.

دقت کنید که در نثر موزون (سبک خواجه عبدالله) آرایه سجع غالب است و
استفاده از آرایه‌های ادبی فراوان و لغات عربی گوناگون و ... (مانند متن
صورت سؤال) خیلی دیده نمی‌شود. بنابراین، صرف وجود سجع در متن باعث
نمی‌شود که آن را نثر موزون بدانیم، بلکه باید به دیگر ویژگی‌های متن هم
توجه کنیم.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

۴۳- گزینه «۱»

(یاسین مهریان)

توجه داشته باشید که این بیت، فاقد قافیه درونی است و «من»، «کمان» و
«کمین» را به‌دلیل اختلاف در مصوت، نمی‌توانیم به‌عنوان قافیه در نظر
بگیریم.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «سر»، «شر» و «در» واژگان قافیه‌اند که «ر» حروف مشترک
آن‌هاست و قافیه، طبق قاعده «۲» می‌باشد.

گزینه «۳»: «شنو»، «جو» و «گرو» واژگان قافیه‌اند که «و» حروف مشترک
آن‌هاست و قافیه، طبق قاعده «۲» می‌باشد.

گزینه «۴»: «بنوشاند»، «درخوشاند»، «می‌بپوشاند» واژگان قافیه‌اند که «د»
حروف الحاقی محسوب می‌شود و «ان» حروف اصلی قافیه است. قافیه،
مطابق قاعده «۲» می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۲)

۴۴- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا علویان)

این بیت ذوقافیتین نیست، «را» و «سزا» قافیه و «ست» ردیف می‌باشد؛
بدیهی است که «افتخار» و «نثر» نمی‌تواند قافیه دوم را برای این بیت
تشکیل دهد.

قافیه در سایر ابیات:

گزینه «۱»: «خبر» و «سپر» قافیه اصلی (قاعده ۲)، «جهان» و «آسمان»
قافیه دوم (قاعده ۲)

گزینه «۲»: «دیوان» اول یعنی دیوان شعر و «دیوان» دوم یعنی دیوها،
قافیه اصلی (قاعده ۲) «سر» و «پر» قافیه دوم (قاعده ۲)، «بود» ردیف
است.

گزینه «۴»: «بی‌گاه» و «همراه» قافیه اصلی (قاعده ۲) و «روز» و «سوز»
قافیه دوم (قاعده ۲)، «شد» ردیف است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۴۵- گزینه «۳»

(یاسین مهریان)

فاقد استعاره / «بر» و «بس»: جناس ناهمسان اختلافی

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «سوار شوخ» استعاره از یار / «سر» و «در»: جناس ناهمسان
اختلافی

گزینه «۲»: «کام عیش»: اضافه استعاری / «جام» و «کام»: جناس ناهمسان
اختلافی

گزینه «۴»: «قطره خون» استعاره از اشک / «در» و «درد»: جناس ناهمسان
افزایشی

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)



علوم و فنون ادبی (۲)

(مجتبی فرهار)

۵۱- گزینه ۳

عبارات «ب، د و ه» نادرست‌اند.

«ب»: در این زمان انحطاط ادبی از دوره تیموری بیشتر شد و استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی رواج بیشتری یافت.
«د»: نثر این دوره ارزش ادبی والایی ندارد؛ زیرا به زبان عامیانه نزدیک است و متن‌های ادبی نیز با تصنع و تکلف همراه‌اند.
«ه»: تواریخ عمومی این دوره در کنار نهادهای سیاسی و فرهنگی صفویه در جهت نهادینه کردن تشیع گام برداشتند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۴ و ۸۵)

(فرهار فرزان‌کیا)

۵۲- گزینه ۱

در بیت گزینه «۱»، سعدی به شعر فارسی خود برتری می‌دهد. اولاً ویژگی‌های زبانی این بیت هیچ شباهتی به زبان جدید سبک هندی ندارد؛ ثانیاً مفاخره از ویژگی‌های فکری سبک عراقی است.

ویژگی‌های سبک هندی در سایر ابیات:

گزینه «۲»: توجه به تجربیات روزمره (گلاب‌گیری) از ویژگی‌های سبک هندی است (مرتبط با ورود لغات کوچک و بازار به شعر) که در این بیت واضع قزوینی دیده می‌شود.

گزینه «۳»: ترکیب «نمی اینجا سزاوارد» در مصراع دوم، مصداق دقیق بی‌توجهی به ساختارهای دستوری در سبک هندی است.

گزینه «۴»: بیدل در این بیت هم واژه‌سازی کرده است که از ویژگی‌های زبانی سبک هندی است (جنون‌کده) و هم مفهوم بدیع بیت (خصوصاً در مصراع دوم) نشان از مضمون‌سازی‌های سبک هندی دارد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۱ تا ۸۳)

(یاسین مهریان)

۵۳- گزینه ۱

تنها در بیت «ه» کنایه وجود دارد. «آویزان بودن دل‌ها» در این بیت، کنایه از «عاشق پیشگان زیادی داشتن» است.
سایر ابیات، فاقد کنایه‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۹۵ تا ۹۷)

(یاسین مهریان)

۵۴- گزینه ۳

صورت سؤال، تعریفی است که کتاب درسی برای «کنایه» ارائه داده است. در گزینه «۳»، «چشم‌بستن» کنایه از «توجه‌نکردن» است و در سایر گزینه‌ها، آرایه کنایه مشهود نیست.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۹۵ تا ۹۷)

(سیدعلیرضا علویان)

۵۵- گزینه ۲

وزن این بیت «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» می‌باشد که دولختی نیست.

وزن سایر ابیات:

گزینه «۱»: مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن

گزینه «۳»: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

گزینه «۴»: فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۸ تا ۹۲)

۴۶- گزینه ۳

(سیدعلیرضا علویان)

جناس تام: بیت اول به معنی بیت شعر و بیت (در بیت‌المقدس) به معنی خانه است، تشبیه بیت به بیت‌المقدس

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: جناس تام: شانه اول به معنی دوش و کتف و شانه دوم به معنی ابزار شانه زدن مو است. بیت فاقد تشبیه است.

گزینه «۲»: فاقد جناس تام، تشبیه: خطوط پیرهن رهگذران مثل زندان است.

گزینه «۴»: «بار» به ترتیب در معانی دفعه، اجازه ورود و محموله آمده است. فاقد تشبیه

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

۴۷- گزینه ۳

(مجتبی فرهار)

ایهام: «کارافتادگی» دو معنا دارد: ۱- با تجربه بودن ۲- اتفاق افتادن / اشتقاق: دو کلمه «پاران» و «یاری» اشتقاق دارند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ایهام: عشاق: ۱- عاشقان ۲- نام پرده‌ای از پرده‌های موسیقی / اشتقاق: فاقد اشتقاق

گزینه «۲»: ایهام: فاقد ایهام / اشتقاق: دو کلمه «دلیل» و «دلالت» اشتقاق دارند.

گزینه «۴»: ایهام: فاقد ایهام / اشتقاق: فاقد اشتقاق

(علوم و فنون ادبی، بریع، ترکیبی)

۴۸- گزینه ۱

(سپار غلام‌پور سیوکی)

الف) «دشنه و تشنه» در این بیت جناس ناهمسان دارند.

د) در این بیت، «چراغدان ثریا» اضافه تشبیهی است.

ب) «کوکب» در اینجا استعاره از «اشک» هست.

ج) «آب از غربال خواستن» کنایه از انتظار بیهوده داشتن است.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

۴۹- گزینه ۲

(سید مظهر هاشمی)

در این گزینه، شاعر از رسیدن به وصال معشوق شادمان است و می‌گوید: اگر من در وصال معشوق به چیزهای دیگر بی‌توجه هستم جای تعجب نیست، زیرا کسی که یوسف را در کنار دارد، به پیراهن او نمی‌اندیشد. در گزینه‌های دیگر صحبت از فراق و هجران است و شاعران، شاهد وصال را در کنار ندارند!

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۸۶)

۵۰- گزینه ۱

(سید مظهر هاشمی)

در این گزینه، گلایه شاعر از فراق و هجران معشوق است و با نوعی حسن‌تعلیل، ناله نی و خمیده شدن چنگ را نیز ناشی از عشق و تأثیر آن می‌داند، اما در دیگر ابیات، تأکید شده است که عاشق برای آن‌که با درد و رنج عشق کنار بیاید به موسیقی و شادنوشی پناه می‌برد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۱۰۶)



جامعه‌شناسی (۳)

۶۱- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد نادرست:

- بُعد ضمانت اجرای قانون در سیاست نیازمند قدرت می‌باشد.

- جامعه‌شناسی تبیینی با منحصرکردن علم به علوم تجربی که صرفاً موضوعات مادی و محسوس را مطالعه می‌کند، ارزش‌های انسانی از جمله ارزش‌های سیاسی را که تماماً مادی و محسوس نیستند، قابل مطالعه علمی نمی‌داند.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۷، ۵۸ و ۶۷)

۶۲- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

نظام لیبرال دموکراسی:

- در این نظام، آزادی مهم‌ترین ارزش اجتماعی است و ثبات، رفاه و سلطه بر طبیعت از دیگر ارزش‌های مهم آن به شمار می‌رود.

- با خواست و اراده اکثریت مردم شکل می‌گیرد و هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی‌شناسد.

نظام جمهوری اسلامی:

- در این نظام می‌توان از مقبولیت و مشروعیت حقیقی سخن گفت.

- نظام سیاسی سازگار با فرهنگ توحیدی است که در جهان اسلام مورد توجه و اقبال قرار گرفته است.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه ۶۹)

۶۳- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

زبان و رنگ پوست: تفاوت اسمی

تحصیلات: تفاوت رتبه‌ای (ناابرابری اجتماعی)

وزن: تفاوت رتبه‌ای (ناابرابری طبیعی)

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۷۲)

۶۴- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

در مدل کمونیستی جامعه‌شناسان معتقدند که نابرابری‌های اجتماعی، ناشی از تفاوت‌ها و نابرابری‌های طبیعی نیست، بلکه نتیجه روابط سلطه‌جویانه میان انسان‌هاست و باید با آن مبارزه کرد. اینان عدالت اقتصادی را مهم می‌دانند و معتقدند که با توزیع برابر ثروت، عدالت برقرار خواهد شد. از نظر آنان، مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و در نتیجه، نابرابری اجتماعی شده است، بنابراین برای ایجاد برابری، باید مالکیت خصوصی را از میان برداشت. در این رویکرد، نقطه شروع رقابت‌ها یکسان می‌شود اما به دلیل اینکه انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد؛ بنابراین نقطه پایان رقابت در این رویکرد عادلانه نیست.

در مدل لیبرالی، نابرابری‌های اجتماعی نتیجه تفاوت‌ها یا نابرابری‌های طبیعی هستند، بنابراین عادلانه‌اند. در این رویکرد نقطه شروع رقابت میان افراد عادلانه نیست. این جامعه‌شناسان طرفدار قشربندی اجتماعی هستند و معتقدند که از گذشته تا حال، هیچ جامعه‌ای بدون قشربندی اجتماعی نبوده است. یعنی قشربندی پدیده‌ای است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۶ تا ۷۸)

۵۶- گزینه «۳»

(هومن نمازی)

وزن این بیت، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» یا همان «مستفعل مستفعل مستفعل مستف» است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۵۷- گزینه «۳»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

این بیت، بر وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» یا همان «مستفعل مستفعل مستفعل مستف» سروده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۵۸- گزینه «۴»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

این بیت بر وزن «مفاعیل فعلاتن مفاعیل فعولن» سروده شده است که وزنی ناهمساز است؛ اما سایر گزینه‌ها بر وزن همسان دولختی (دوری) هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این بیت بر وزن «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن» است.

گزینه «۲»: این بیت بر وزن «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن» است.

گزینه «۳»: این بیت بر وزن «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن» است.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، ترکیبی)

۵۹- گزینه «۴»

(سپار ممد هاشمی)

در این گزینه، شاعر خود را درخت نخل بی‌ثمری می‌داند که در مقابل خواسته کودکان که از او خرما و ثمره می‌خواهند، جز سرافکنندگی چیزی ندارد، اما در دیگر ابیات، به‌رحال نوعی ثمره و سود وجود دارد. بیت صورت سؤال هم به بی‌ثمری محض اشاره دارد و بنابراین، با بیت گزینه «۴» قرابت دارد.

بررسی دیگر ابیات:

گزینه «۱»: درخت سرو، بی‌ثمر، اما آزاد است.

گزینه «۲»: من (شاعر) درخت نخلی هستم که همه از آن سود می‌برند، هر چند خود از آن بی‌بهره هستم.

گزینه «۳»: هر چند مانند درخت بید بی‌ثمر هستم، اما برای جبران این بی‌ثمری، سایه بر سر دیگران می‌افکنم.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۸۶)

۶۰- گزینه «۳»

(سپار ممد هاشمی)

در این گزینه، به خوش‌بویی زلف یار اشاره شده است (تشبیه زلف به مشک) و در آن سخنی از بلندی و درازی مو نیامده است، اما در دیگر گزینه‌ها، مشابه بیت صورت سؤال، به نوعی، اشاره به بلندی گیسوی محبوب و چین‌درچین بودن آن شده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۹۲)



۶۵- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

جامعه‌شناسان انتقادی همانند جامعه‌شناسان تفسیری بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کنند و علم را به معنای حسی و تجربی آن محدود نمی‌کنند.

غلبه رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی موجب می‌شد که کار داوری درباره ارزش‌ها خارج از قلمرو علوم اجتماعی قرار گیرد و غیرعلمی قلمداد شود. در این نگاه انتقاد از وضعیت موجود و تجویز راه‌حل برای بهتر شدن آن کار علم نبود. این اعتقاد با عنوان جدایی دانش از ارزش بیان می‌شد.

جامعه‌شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر، تأکید می‌کنند و به نقد سلطه در روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌پردازد.

دقت شود جامعه‌شناسی انتقادی کنش‌های ناپسند و ظالمانه انسان را محدود به سلطه و سرکوب اجتماعی می‌داند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۹ و ۸۲)

۶۶- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

تشریح موارد نادرست:

جامعه‌شناسان می‌گویند علت نابرابری‌های اجتماعی این است که مزایای اجتماعی یعنی ثروت، قدرت و دانش به صورت نابرابر میان افراد توزیع شده‌اند.

در دیدگاه جدایی دانش از ارزش، دانش، قلمرو تبیین و در مقابل ارزش، قلمرو تفسیر معرفی می‌شد.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۸، ۷۹ و ۸۲)

۶۷- گزینه «۲»

(آزیتا بیرقی)

گاهی به بُعد فرهنگی هویت و گاهی به بُعد سیاسی و اجتماعی آن توجه می‌شود. ← مدل تکثرگرا

ملی‌گرایی و وطن‌دوستی مشخصه اصلی آن بود. ← ناسیونالیسم

به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه است. ← مدل همانندسازی

برخی از پیدایش آن به باز شدن جعبه پاندورا یاد می‌کنند. ← سیاست هویت

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۷ تا ۹۰)

۶۸- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

علت شکل‌گیری جنبش‌های مذهبی، آسیایی تبارها و ... ← رهایی از هویت تحمیلی که فرایند جهانی شدن به آن‌ها تحمیل می‌کند.

پیامد تأکید افراطی بر تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها ← چندپارگی سیاسی و فرهنگی درون جوامع

علت شکل‌گیری دولت‌هایی که دیگر خود را با هویت دینی مسیحی نمی‌شناختند ← ظهور جهان متجدد

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۷، ۹۰ و ۹۱)

۶۹- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

اصلاح عبارت نادرست:

اشتراک هر دو، نسل‌کشی است. در نسل‌کشی، دیگری شری است که باید نابود شود، که مصادق همانندسازی به شکل یک‌سویه و سخت و خشن است.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۹ و ۹۰)

۷۰- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

همیشه به صورت یک‌سویه و سخت و خشن انجام نمی‌شود. ← سیاست همانندسازی (ج)

جهانی شدن و توسعه ارتباطات ← فرهنگ‌ها کاملاً خالص و ثابت نیستند. (د)

تنازع هویت‌ها ← وحدت یا کثرت هویت‌ها (ب)

چهره‌های متفاوت سیاست هویت ← کوکلاس کلان (الف)

نکته: کوکلاس کلان و جشن سال نوی چینی، مصادیق دو چهره متفاوت سیاست هویت هستند.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۷، ۸۸، ۹۰ و ۹۱)

جامعه‌شناسی (۲)

۷۱- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

دو اصطلاح استعمارگر و استعمارزده را کسانی به کار می‌برند که به ابعاد فرهنگی چالش و نزاع میان کشورهای غنی و فقیر توجه دارند.

اصطلاح توسعه‌یافته و عقب‌مانده به این نکته اشاره دارند که کشورهای توسعه‌یافته، الگوی کشورهای دیگرند و سایر کشورها باید مسیر آن‌ها را ادامه دهند.

اصطلاح مرکز و پیرامون به نقش مرکزی کشورهای ثروتمند و صنعتی اشاره دارد. این اصطلاح را کسانی به کار می‌برند که معتقدند، کشورهای پیرامونی به سبب عملکرد کشورهای مرکزی، ضعیف و فقیر شده‌اند. براساس این نظریه، جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را از طریق بهره‌کشی از کشورهای غیرغربی حل می‌کنند؛ به این ترتیب که با ثروت به دست آمده از کشورهای پیرامونی، رفاه کارگران و اقشار ضعیف خود را تأمین می‌کنند و مشکلات حاد درونی‌شان را به بیرون از مرزهای خود انتقال می‌دهند.

آن‌ها با سرمایه‌گذاری‌های مشترک و معاهدات بین‌المللی، انتقال ثروت از کشورهای پیرامون به کشورهای مرکز را آسان می‌کنند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۸ و ۸۹)

۷۲- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

اگوست کنت، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد بود که فاتحان در گذشته تاریخ، با غنایم جنگی بر ثروت خود می‌افزودند، ولی با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت به دست می‌آید. به همین دلیل بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از زندگی بشر رخت بر می‌بندد. از دیدگاه او، جنگ در فرهنگ و جامعه جدید غربی، امری ذاتی نیست بلکه امری عارضی و تحمیلی است. وقوع دو جنگ بزرگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم، خطا بودن نظریه کنت را نشان می‌دهد.

نظریه جنگ تمدن‌ها که ساموئل هانتینگتون آن را مطرح کرد، نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیرغربی را توجیه می‌کرد. هانتینگتون از آخرین مرحله درگیری‌ها در جهان معاصر، با عنوان جنگ تمدن‌ها یاد می‌کند. از نظر او در این مرحله، دیگر دولت-ملت‌ها بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌المللی نیستند و رقابت‌ها و درگیری‌ها، بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ (نه بین دولت-ملت‌ها) به وقوع خواهد پیوست و در این میان، فرهنگ اسلامی بزرگ‌ترین تهدید برای غرب است.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۳ و ۸۶)



۷۳- گزینه ۱»

(فاطمه صفری)

تشریح موارد نادرست:

هیچ‌یک از این دو جنگ، منشأ دینی نداشت و ظاهر مذهبی و دینی نیز به خود نگرفت.

مفاهیم شمال و جنوب عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم به کار گرفته شد؛ زیرا برخی اندیشمندان معتقد بودند که چالش اصلی بین بلوک شرق و غرب، نیست بلکه چالش اصلی بین کشورهای غنی و فقیر است.

تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ سرد بین این دو بلوک، به همراه جنگ گرم بین مناطق پیرامونی این دو، ادامه یافت.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۱۵ و ۸۸)

۷۴- گزینه ۲»

(آزیتا بیرقی)

پیامد عدم کنترل بحران اقتصادی ← فروپاشی حکومت‌ها

پیامد انقلاب صنعتی ← اختلال در رابطه متقابل انسان و طبیعت

پیامد شکل‌گیری اقتصاد جهانی ← آشکار شدن پیامدهای جهانی بحران‌های منطقه‌ای

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۳ و ۹۵)

۷۵- گزینه ۴»

(آزیتا بیرقی)

الف) چالش فقر و غنا، همیشگی است و آسیب‌های آن متوجه قشر ضعیف جامعه است.

ج) همایش‌های بین‌المللی نتوانسته‌اند از شتاب بحران زیست‌محیطی بکاهند.

د) بحران اقتصادی و بحران زیست‌محیطی چالش‌هایی با ابعاد گسترده‌تر و عمیق‌ترند.

ب) انسان مدرن، نگاه معنوی به طبیعت را کودکانه می‌داند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵ و ۹۶)

۷۶- گزینه ۱»

(آزیتا بیرقی)

سرمایه‌داران با ابزارهایی که دارند فشارهای بحران اقتصادی را به اقشار ضعیف انتقال می‌دهند.

نخستین بحران اقتصادی در سال ۱۸۲۰ م. در انگلستان به وجود آمد.

در رویکرد اساطیری طبیعت از ابعاد و نیروهای ماورائی برخوردار است.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۲، ۹۳ و ۹۵)

۷۷- گزینه ۳»

(ریحانه امینی)

در نیمه دوم قرن بیستم با روشن شدن اینکه علم تجربی مبانی غیرتجربی دارد، علم مدرن زیر سؤال رفت.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۹ تا ۱۰۱)

۷۸- گزینه ۱»

(ریحانه امینی)

طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد؛ بلکه در سال‌های پایانی آن، نگاه معنوی و دینی، به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بازگشت. بعضی متفکران از این موج که نشانه بحران معنویت در فرهنگ غرب است، با عنوان «پساسکولاریسم» یاد کرده‌اند. مهم‌ترین علت تداوم

باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان، نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراءطبیعی است. یک فرهنگ علاوه بر نیازهای جسمانی و دنیوی انسان، باید به نیازهای قدسی او نیز پاسخ دهد. همان‌گونه که بی‌توجهی به ابعاد دنیوی، به بحران منجر می‌شود، غفلت از ابعاد معنوی شکل دیگری از بحران را به دنبال می‌آورد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۱۰۱)

۷۹- گزینه ۴»

(ریحانه امینی)

گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی، پیامدهای اجتماعی مختلفی داشت از جمله:

برخی از نخبگان جهان غرب را به جست‌وجوی سنت‌های قدسی و دینی واداشت.

مهاجران ساکن کشورهای غربی را که اغلب مرعوب فرهنگ مدرن شده بودند، به سوی هویت دینی خود فراخواند.

بازار معنویت‌های کاذب و دروغین را رونق بخشید؛ خرافه‌پرستی، شیطان‌پرستی، انواع بازسازی شده ادیان و عرفان‌های شرقی و سرخ‌پوستی، نمونه‌هایی از این معنویت‌های دروغین هستند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۱۰۲)

۸۰- گزینه ۳»

(ریحانه امینی)

فقر و غنا: اجتماعی

جنگ‌ها و تقابل‌ها: سیاسی

معرفتی - معنوی: فرهنگی

زیست‌محیطی: اقتصادی

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۹۹)

جامعه‌شناسی (۱)

۸۱- گزینه ۲»

(فاطمه صفری)

شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی رواج می‌یابد. (تعارض فرهنگی) ← عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جهان

اجتماعی را می‌سازند، مورد تردید قرار می‌گیرند. ← (تزلزل فرهنگی)

جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را ندارد. (بحران هویت) ← تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درون جهان اجتماعی فراتر می‌روند. (تحول هویت فرهنگی)

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۸۲- گزینه ۳»

(زینب آذری)

- اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان‌های دیگر، بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن سرایت می‌کند و در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود.

- تعاملات جوامع اشکال مختلفی دارد که هرکدام پیامد خاص خود را دارد، ممکن است این تعاملات در سطح‌ها و نمادها باشد یا در سطح عقاید، ارزش‌ها و آرمان‌ها. اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید و ارزش‌های خود با



سرد بین این دو بلوک، به همراه جنگ گرم بین مناطق پیرامونی این دو، ادامه یافت و به اقتصاد کشورهای صنعتی که وابسته به تسلیحات نظامی بود، رونق بخشید.

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۳ و ۸۵)

۸۷- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد نادرست:

- در جنگ جهانی اول، برای نخستین بار از سلاح‌های شیمیایی و در جنگ جهانی دوم برای اولین بار از بمب اتم استفاده شد.

- مراد از جهان اول، کشورهای سرمایه‌داری بلوک غرب است و منظور از جهان دوم، کشورهایی است که در کانون بلوک شرق قرار داشتند. جهان سوم، کشورهای دیگری هستند که خارج از این دو بلوک قرار داشته و تحت نفوذ آن‌ها بوده‌اند.

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۳، ۸۵ و ۸۸)

۸۸- گزینه «۴»

(شهریار عبدالله)

در فرهنگ قرون وسطی شناخت عقلی و تجربی نادیده گرفته می‌شد. در قرن نوزدهم و بیستم شناخت حسی و تجربی را تنها راه شناخت علمی می‌دانستند.

در نیمه دوم قرن بیستم با روشن شدن اینکه علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است علم مدرن زیر سؤال رفت. آشکار شدن علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد.

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۹ تا ۱۰۱)

۸۹- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

- بحران اقتصادی در صورتی که کنترل نشود (علت)، می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود (پیامد).

- در بحران اقتصادی، قدرت خرید مصرف‌کنندگان به شدت کاهش می‌یابد و تولیدکنندگان بازار فروش خود را از دست می‌دهند؛ در نتیجه کارخانه‌ها تعطیل و کارگران بیکار می‌شوند.

بحران زیست‌محیطی، ابتدا در حوزه رابطه انسان با طبیعت قرار داشت، ولی به تدریج به روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر نیز سرایت کرد.

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۳ و ۹۵)

۹۰- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

مهم‌ترین بحران اقتصادی در فاصله بین دو جنگ جهانی، یعنی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ م. اتفاق افتاد.

بحران هنگامی ایجاد می‌شود که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل کل نظام را بر هم بزنند.

در نگاه اساطیری، طبیعت ماده خام نیست، بلکه از ابعاد و نیروهای ماورائی برخوردار است.

برخی از متفکران، بحران‌های زیست‌محیطی را مشکل سرنوشت‌ساز قرن بیستم دانسته‌اند.

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۱، ۹۲، ۹۴ و ۹۵)

دیگر جوامع تعامل کند و در لایه‌های سطحی (هنجارها و شیوه زندگی) عناصری را از جامعه‌ای بگیرد و در صورت نیاز آن را اصلاح کند، بدین‌گونه زمینه رشد و توسعه خود را فراهم می‌کند.

جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون اینکه به جهان اسلام ببیند، تحولات هویتی پیدا کرد.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۸۳- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

در دیدگاه مستشرقان، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا حتی اساطیری نیست، بلکه سکولار و دنیوی است و به ابعاد تاریخی و جغرافیایی آن محدود می‌شود. این هویت در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی، امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس تقسیم می‌کند.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۱۰۵)

۸۴- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

- یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است.
- عقاید و ارزش‌های توحیدی اسلام، ایران را به جهان اسلام ملحق ساخت و هویت ایرانی به صورت بخشی از هویت جهان اسلام درآمد.
- متفکران ایرانی از دهه سی به بعد، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت‌های کاذبی که از این طریق ساخته می‌شد، آثاری با عناوینی نظیر غرب‌زدگی و بازگشت به خویشتن، پدید آوردند و برخی از اندیشمندان مسلمان، کتاب‌هایی را درباره خدمات متقابل اسلام و ایران و همچنین فطرت و خویشتن الهی انسان تدوین کردند.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۷)

۸۵- گزینه «۲»

تشریح موارد نادرست:

بازاندیشی درباره بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی از دانشمندان و متفکران اجتماعی معلول یا پیامد وجود کاستی و خلأ معنوی در جامعه است.

هویت فرهنگی جهان اجتماعی، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی خانوادگی، شغلی و ... متناسب با خود را پدید می‌آورد.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۰ و ۹۳)

جامعه‌شناسی (۲)

۸۶- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

- از مهم‌ترین عوامل وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم، رقابت کشورهای اروپایی بر سر مناطق استعماری بود.

- وقوع دو جنگ بزرگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم، خطا بودن نظریه کنت را نشان می‌دهد.

- پس از جنگ جهانی دوم، بلوک شرق و غرب هر یک بخشی از جهان را زیر نفوذ خود قرار دادند و تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ

عربی زبان قرآن (۲) و (۳)

۹۱- گزینه «۴»

(توید امسأکی)

«إِنَّ النَّفْسَ»: همانا (قطعاً) نفس («النَّفْسَ» صفت یا وابسته‌ای ندارد ← رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ»: بسیار امرکننده به بدی است، بسیار به بدی فرمان می‌دهد (رد گزینه ۲)

(ترجمه)

۹۲- گزینه «۲»

(ولی برپی- ابهر)

«أَخَذْتُ أَنَادِي»: شروع به صدا زدن کردم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «ظَنَّنَا»: پنداشتند، گمان کردند (رد گزینه ۴) / «لَمْ يَلْتَفِتُوا»: توجه نکردند (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۹۳- گزینه «۳»

(بهروز هیدریکی)

«محاولات عدیده»: تلاش‌های زیادی (رد سایر گزینه‌ها) / «جِلْبَابٌ»: قبل از آن «لا» نفی جنس در «لا شيء» آمده است، پس منفی ترجمه می‌شود) به همراه ندارد (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «إِلَّا»: به جز، فقط، تنها / «السُّعُورُ بِالْفَرْحِ»: احساس خوشحالی (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «مَنْ بَاطِنِي»: از درون خودم (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۹۴- گزینه «۱»

(ولی برپی- ابهر)

«وَأُولَئِكَ الْمُزَارِعُونَ»: آن کشاورزان (رد گزینه ۲) / «لَمْ يُشَاهِدُوا إِلَّا فِرَّانًا»: فقط موش‌هایی را دیدند، ندیدند مگر موش‌هایی را (رد گزینه ۴) / «تَهْجِمُ عَلَى الْخَضِرَاتِ»: به سبزیجات حمله می‌کردند (هجوم می‌برند) (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «لَبِئْسَ أَكْلُهُمْ»: تا آن‌ها را بخورند، برای اینکه آن‌ها را بخورند (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

(ترجمه)

۹۵- گزینه «۲»

(مرتضی کاظم شیروردی)

«لَمْ يَنْظُرُوا»: نگاه نکردند (لم + مضارع، معنای گذشته منفی می‌دهد) (رد گزینه ۱) / «إِلَى مَنْ»: به کسی که (رد سایر گزینه‌ها) / «كَانَ يَجْمَعُ»: (كان + مضارع، معنای ماضی استمراری می‌دهد) حمایت می‌کرد (رد سایر گزینه‌ها) / «ضَاعَ»: (در اینجا) تباه شده بود / «الْجَهَّالُ»: (جمع الجاهل) نادانان

(ترجمه)

۹۶- گزینه «۳»

(ولی برپی- ابهر)

در گزینه «۳»، «رجل صالح» نکره است و باید به صورت (مردی نیکوکار یا مرد نیکوکاری) ترجمه شود، در این گزینه «معاصی» هم جمع است که مفرد ترجمه شده و نادرست است؛ ترجمه صحیح «معاصیه الکثیره» باید به صورت (گناهان زیادش) باشد.

(ترجمه)

۹۷- گزینه «۳»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

در گزینه «۳»، «تَخَلَّصَ» فعل ماضی (از باب تَفَعَّلَ) و به معنی «رهایی یافت» است. همچنین کلمه «تعداد» که در ترجمه فارسی آمده، معادل مشخصی در عبارت عربی ندارد.

(ترجمه)

۹۸- گزینه «۳»

(سیره میا مؤمنی)

«سربازان محبوب ما»: جُنُودُنَا الْمَحْبُوبُونَ (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «تمام شب»: كُلَّ اللَّيْلِ (رد گزینه ۱) / «بیدار می‌مانند»: (ماضی استمراری) كَانَ ... يَسْهَرُونَ (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «کشور عزیزمان»: بلادنا العزیزة (مضاف ال نمی‌پذیرد) (رد گزینه ۴)

نکات مهم درسی:

کل + اسم مفرد معرفه: همه ... ، تمام ...
كان + فعل مضارع: ماضی استمراری

(ترجمه)

ترجمه متن درک مطلب:

رؤیایا همان چیزی هستند که انسان را همواره به جلو می‌رانند، آن چیزی هستند که باعث می‌شوند او برای رسیدن به چیزی که می‌خواهد، با پشتکار کار کند. توماس ادیسون مخترع چراغ برقی و بسیاری از اختراعات دیگر، برای محقق کردن رؤیاهایش بسیار تلاش کرد، اگرچه دفعات زیادی شکست خورد. و او به گفته‌اش مشهور است: من شکست نخوردم، بلکه هزار راه پیدا کردم که کار کردن چراغ با آن‌ها، ممکن نبود. و این گفته‌ای است که امروزه استفاده می‌شود برای تأکید بر این که پافشاری بر رؤیایا، راه موفقیت است. افراد زیادی وجود دارند که توان بسیاری دارند، ولی رؤیایا و اهدافی ندارند، آن‌ها شب و روز کار می‌کنند بدون اینکه چیزی را که از زندگی می‌خواهند، بدانند. پس ممکن است در دستیابی به سعادت، شکست بخورند. شایان ذکر است که رؤیایا در ذات خود، کلید موفقیت نیستند، بلکه افراد موفق برای محقق کردن موفقیت، به توان و پایداری نیز احتیاج دارند.

۹۹- گزینه «۱»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

«هرکس اهداف مشخصی ندارد، قطعاً هرگز موفق نخواهد شد!» مطابق متن (با توجه به: من الممكن أن يفشلوا) صحیح نیست.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: ادیسون پس از هر شکستی در زندگی‌اش، روش جدیدی را امتحان کرد! (صحیح)
گزینه «۳»: انسان باید بداند چه چیزی را از تلاش‌هایش در زندگی می‌خواهد! (صحیح)

گزینه «۴»: دانشمندان موفق پس از تلاش‌های زیاد برای اکتشافی جدید، ناامید نشدند! (صحیح)

(درک مطلب)

۱۰۰- گزینه «۲»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

«درست نیست که انسان گمان کند موفقیت نتیجه رؤیاهاست!» مطابق متن صحیح است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هرکس بخواهد به موفقیت دست یابد، باید هزار مرتبه یا بیشتر شکست بخورد! (نادرست)

گزینه «۳»: انسان موفق به رؤیاهایش توجه نمی‌کند، بلکه فقط کار می‌کند و مقصد را نزدیک می‌بیند! (نادرست)

گزینه «۴»: هیچ موفقیتی نیست برای کسی که کار را حتی یک لحظه در طول روز رها می‌کند! (نادرست)

(درک مطلب)



۱۰۱- گزینه «۴»

(سیر مفعولی مرفوضی)

صورت سؤال، گزینه نادرست را برای عنوان متن می‌خواهد:

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: رؤیاها راه موفقیت هستند!

گزینه «۲»: هر فکر جدیدی در ابتدا، یک رؤیا بوده است!

گزینه «۳»: هرگز از رؤیا دست نکش!

گزینه «۴»: زندگی تماشای رؤیاهایی است که جاودان نمی‌شوند و باقی نمی‌مانند! (این عبارت درباره رؤیاها و نقششان در زندگی صحبت نمی‌کند، پس ارتباط چندانی به موضوعات متن ندارد.)

(ررک مطلب)

۱۰۲- گزینه «۴»

(سیر مفعولی مرفوضی)

«ماضیه: تَحَقَّق» نادرست است؛ «تَحْقِيق» بر وزن «تَفْعِيل» مصدر باب تفعیل است، پس ماضی آن بر وزن «فَعَّل» و به صورت «حَقَّق» صحیح است.

(تلیل صرغی و اعراب)

۱۰۳- گزینه «۴»

(سیر مفعولی مرفوضی)

«مصدره مزید ثلاثی» نادرست است؛ «الْتَاَجِج» بر وزن «فَاعِل» است، پس از مصدر ثلاثی مجرد گرفته شده است.

نکته مهم درسی:

اسم فاعل اگر بر وزن «فَاعِل» آمده باشد، مشخص است که از فعل‌های ثلاثی مجرد ساخته شده است، اما اگر اسم فاعل به صورت «مُعِ» بیاید، از فعل ثلاثی مزید ساخته شده است.

(تلیل صرغی و اعراب)

۱۰۴- گزینه «۲»

(ولی بره‌ی - ابر)

در گزینه «۲»، «إِرْتَفَعَ» فعل ماضی از باب إفعال است و عین‌الفعل آن باید فتحه بگیرد؛ بنابراین «إِرْتَفَعَ» درست است، در این گزینه «الرَّجُلُ» نیز نادرست است و باید به صورت «الرَّجُلُ» به کار رود.

(ضبط حرکات)

۱۰۵- گزینه «۴»

(ولی بره‌ی - ابر)

با توجه به معنای عبارت (بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست) که به میانه‌روی و اعتدال اشاره دارد، همه گزینه‌ها بر میانه‌روی دلالت دارند، به جز گزینه «۴» که معنای میانه‌روی و اعتدال و اندازه نگه داشتن در آن وجود ندارد. بیت گزینه «۴» توصیه به دست کشیدن از دنیا دارد.

(مفعوم)

۱۰۶- گزینه «۱»

(اسماعیل علی‌پور)

حرف «لِ» در گزینه «۱»، به معنای «باید» آمده و فعل امر ایجاد کرده است، اما در سایر گزینه‌ها به معنای «که، تا اینکه» آمده و میان جملات ارتباط به وجود آورده است.

ترجمه گزینه‌ها:

گزینه «۱»: همانا دنیا سرای نابودی است، پس انسان باید بداند که او خواهد مُرد!

گزینه «۲»: مادر از فرزندانش خواست که به او در کارها کمک کنند!

گزینه «۳»: ما باید به کتابخانه برویم برای اینکه درس‌هایمان را مطالعه کنیم!

گزینه «۴»: با خانواده‌ام صحبت کردم تا بدانند چه چیزی از آن‌ها می‌خواهم!

(قواعد فعل)

۱۰۷- گزینه «۴»

(مفعولی کاطمی نصرآبادی)

صورت سؤال، صفتی را می‌خواهد که جمله نباشد؛ در گزینه «۴»، «الکثیرة» صفت برای «الشعوب» است که جمله نیست، بلکه به صورت یک اسم (مفرد) آمده است.

در سایر گزینه‌ها، به ترتیب فعل‌های «یدعو، وُلد، ینزل، تختلف» به ترتیب اسم‌های «أحدًا، شاعرًا، نوعٌ، مجموعة» را وصف می‌کنند و جمله وصفیه هستند.

(انواع عملات)

۱۰۸- گزینه «۳»

(پروز و بان)

«لا تُزَعج» فعل نهی مخاطب است و در ادامه، «لا يُزَعج» فعل مضارع منفی است که در اینجا معنای التزامی می‌دهد. (ترجمه: ای مرد! آفریده‌ای از آفریده‌های خدا را آزرده نکن تا کسی تو را آزرده نکند!)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «ما صدقت» و «لم یصدق» هر دو اسلوب ماضی منفی دارند. (ترجمه: سخن شخصی را که تا الان راست نگفته است، باور نکردم!)

گزینه «۲»: «یرد»: فعل شرط / «أن یحصل»: مضارع منصوب به أن / «فلیعمل»: فعل امر غائب؛ همگی به اسلوب التزامی ترجمه می‌شوند.

(ترجمه: هر کس بخواید به درجه‌های عالی دست بیابد، پس باید کار نیکی انجام دهد!)

گزینه «۴»: «أراد»: فعل شرط / «أن یساعد»: مضارع منصوب به أن / «لیکتسب»: مضارع منصوب به لِ / «فلا یتعب»: فعل نهی غائب؛ همگی به اسلوب التزامی ترجمه می‌شوند. (ترجمه: اگر انسان بخواید به محرومان کمک کند برای اینکه (تا) خشنودی خدا را به دست بیاورد، پس آن‌ها را نباید با منت گذاشتن رنج بدهد!)

(قواعد فعل)

۱۰۹- گزینه «۱»

(پروز ویدریکی)

ترجمه عبارت: «طعم موفقیت را نمی‌چشد مگر ...»

در این عبارت، پس از «إِلَّا» ابتدا به یک اسم نیاز داریم تا فاعل فعل «لا یدوق» باشد، به عبارت دیگر در چنین عبارتی نمی‌توانیم بلافاصله پس از «إِلَّا» یک فعل بیاوریم.

(استثناء)

۱۱۰- گزینه «۳»

(نور امسکی)

مستثنی‌منه در هر یک از گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «محافل»

گزینه «۲»: «التلمیذات» (دقت کنید ضمیر «هن» به یک اسم جمع و مؤنث اشاره دارد، پس قطعاً «العلماء» نمی‌تواند مستثنی‌منه باشد.)

گزینه «۳»: هم کلمه «العلماء» می‌تواند مستثنی‌منه باشد و هم کلمه «شباب».

گزینه «۴»: در جمله قبل از إلیا، مستثنی‌منه ذکر نشده است.

(استثناء)



عربی زبان قرآن (۱)

۱۱۱- گزینه «۱»

(ممدبرضا قائنرآمینى)

«زأى»: (در این جا) دیدند (رد گزینه ۳) / «قالوا»: گفتند (رد گزینه های ۲ و ۴)
نکته مهم درسی:

در ترجمه فعل های مجهول، معمولاً از اشتقاقیات فعل «شدن» استفاده می کنیم.

(ترجمه)

۱۱۲- گزینه «۳»

(سیره مهيا مؤمنى)

«تَجَذَّبَ»: جذب می کند، جلب می کند (رد گزینه های ۲ و ۴) / «سَيَّاحاً»: (اسم نکره) گردشگرانی، جهانگردانی (رد گزینه ۱) / «قائمة التراث العالمى»: فهرست میراث جهانی (رد گزینه ۴)

جابه جایی بخش اول و دوم در گزینه ۲ نیز بی دلیل و خطاست. (رد گزینه ۲)

(ترجمه)

۱۱۳- گزینه «۳»

(پيروز ويان)

«أكثر النفط الذى»: بیشتر نفتی که / «يُستخرج من الآبار»: از چاهها استخراج می شود (رد گزینه های ۱ و ۲) / «يُصدَّر إلى البلدان الصناعية»: به کشورهای صنعتی صادر می شود (رد گزینه های ۲ و ۴) / «يُستهلك فى الصناعات المختلفة»: در صنعت های مختلف مصرف می شود (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۱۱۴- گزینه «۴»

(كئاب آبي)

«يُحفر»: حفر می کنند، می کنند (رد گزینه های ۱ و ۳) / «العمال»: کارگران / «أباراً»: چاههایی را (رد گزینه ۳) / «تَوْضَعُ»: (فعل مضارع مجهول) گذاشته می شود، قرار داده می شود (رد گزینه ۲) / «الأنايب»: لوله ها (رد گزینه های ۲ و ۳) / «فيها»: در آن / «لِنَقْلِ النِّفْطِ»: برای انتقال نفت / «بواسطتها»: به واسطه آن ها / «إلى الموانئ»: به بندرها (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۱۱۵- گزینه «۲»

(اسماعيل على پور)

«ساختمان جذابی که...»: البناء الخلاب الذى ... / «قرار دارد»: يَقَعُ / «کنار ساحل دریا»: جنب شاطيء البحر (رد گزینه های ۱ و ۴) / «گردشگران را جذب می کند»: يَجِدِب السِّيَاحُ (يجذب) باید به صورت فعل معلوم بیاید، «السِّيَاحُ» نیز مفعول است و باید منصوب باشد. ← رد سایر گزینه ها)

(ترجمه)

۱۱۶- گزینه «۴»

(مرتضى كاظم شيرورى)

ترجمه عبارت: سکوت زبان، سلامتی انسان است. این عبارت به خاموشی و سکوت توصیه می کند، در حالی که بیت فارسی مقابل، درباره بیان درد و غم ناشی از فراق و جدایی از دوست است.

(مفهوم)

۱۱۷- گزینه «۴»

(پيروز ويان)

موارد نادرست در سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: له حرف زائد واحد ← ليس له حرف زائد (زیرا «تَصْنَعُ» یک فعل ثلاثی مجرد است و حرف زائد ندارد).

گزینه «۲»: فاعل ← نائب فاعل (زیرا «تَصْنَعُ» یک فعل مجهول است)

گزینه «۳»: فاعله: البلدان ← فاعله: هذه

(تفليل صرفى و اعراب)

۱۱۸- گزینه «۲»

(پيروز ويان)

در گزینه «۲»، دو اسم مبنی و مرفوع وجود دارد: (هذا: مبنی و در محل مبتدا و مرفوع، هو: مبنی و در محل مبتدا و مرفوع) - اما دقت کنید (ضمیر «ه»: مبنی و در محل مضاف الیه و مجرور) است.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: ۳ اسم مبنی و مرفوع وجود دارد: (هو: مبنی و در محل مبتدا و مرفوع - الّذى: مبنی و در محل خبر و مرفوع - هذه: مبنی و در محل مبتدا و مرفوع) اما دقت کنید (ضمیر ه: مبنی و در محل مضاف الیه و مجرور) است.

گزینه «۳»: ۱ اسم مبنی و مرفوع وجود دارد: (اولئك: مبنی و در محل مبتدا و مرفوع) اما دقت کنید (هذا: مبنی و در محل مجرور به حرف جر) است.

گزینه «۴»: ۱ اسم مبنی و مرفوع وجود دارد: (هؤلاء: مبنی و در محل فاعل و مرفوع) اما دقت کنید (ذلك: مبنی و در محل مجرور به حرف جر) است.

(قواعد اسم)

۱۱۹- گزینه «۲»

(ممدبرضا قائنرآمینى)

فعل مجهول، فاعل ندارد و فاعل آن حذف شده است. در گزینه «۲»، «أمرت» فعل ماضی مجهول به معنای «دستور داده شدم، به من دستور داده شد» است.

نکات مهم درسی:

۱) افعالی مانند «خَرَجَ، فَرَّغَ، نَزَلَ» معلوم هستند؛ اگرچه در ترجمه فارسی آنها اشتقاقیات فعل «شدن» آمده است. پس هر فعلی که در ترجمه فارسی اش، اشتقاقیات فعل «شدن» آمده باشد، لزوماً فعل مجهول نیست.

۲) فعلی که ضمیر متصل مفعولی به انتهای آن چسبیده است، فعل متعدی و معلوم است و هرگز نمی تواند فعل مجهول باشد.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه «۱»: «نَزَلَ» و «شكرنا» هر دو فعل معلوم هستند.

گزینه «۳»: «خَرَجَ» فعل معلوم است.

گزینه «۴»: «فَرَّغْتَ» و «أغلقْتَ» هر دو فعل معلوم هستند.

(انواع عملات)

۱۲۰- گزینه «۱»

(نوير امسالى)

«جلس» مبتدا و مرفوع و «من» خبر و مرفوع است.

اعراب «من» در سایر گزینه ها:

گزینه «۲»: مجرور به حرف جرّ «على»

گزینه «۳»: مفعول برای فعل «أخبرت» و منصوب

گزینه «۴»: مضاف الیه برای کلمه «كل» و مجرور

(قواعد اسم)



عربی زبان قرآن (۲)

۱۲۱- گزینه «۴»

(کنکور سراسری ۹۹- تهرمی)

«الفشلُ تحمُّلهُ صعب»: شکست تحملش سخت است (رد سایر گزینه‌ها) / «یخلق (مضارع معلوم)»: خلق می‌کند، می‌آفریند (رد گزینه ۲) / «فُراًصاً (جمع و نکره)»: فرصتهایی (رد سایر گزینه‌ها) / «ستستفید (مستقبل)»: استفاده خواهی کرد (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «منها»: از آن‌ها / «للتنجیح»: برای پیروزی، برای پیروز شدن (در گزینه‌های ۱ و ۳ کلمه «در» نادرست است.)

(ترجمه)

۱۲۲- گزینه «۱»

(بهروز هیدرکی)

«قول»: حرف، سخن (رد گزینه ۲) / «آذی»: کسی که، آنکه (معنای شرطی «هرکس» را ندارد ← رد گزینه ۳) / «خائباً»: (حال) ناامیدانه، با ناامیدی (رد گزینه ۲) / «لایحزن»: (فعل نهی غائب است) نباید ناراحت کند (رد سایر گزینه‌ها) / «توكلت»: توکل کرده‌ام (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

(ترجمه)

۱۲۳- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

«عالِمٌ»: انسان دانایی، دانشمندی (رد گزینه ۱) / «قد ضاع»: گم شده است، تباه شده است (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «الجَّهال»: نادانان (جمع مکسر «الجاهل» است و اسم مبالغه نیست ← رد گزینه ۳) / «فلنرحمها»: پس باید به او رحم کنیم (رد گزینه ۱) / «یرحمنا»: تا به ما رحم کند (با توجه به فعل امر «لنرحم» که طلب محسوب می‌شود، فعل «یرحم» جواب طلب است و همراه «تا» به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود) (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۱۲۴- گزینه «۱»

(بهروز وغان)

«صحبت کردم»: حَدَّثْتُ، كَلَّمْتُ، تَكَلَّمْتُ / «دربارهٔ تکالیفی که»: عَنْ واجباتٍ، عَنِ الْوَاجِبَاتِ الَّتِي / «دوستم»: صَدِيقِي / «به انجام آن‌ها»: لِأَدَائِهَا (رد گزینه ۳) / «توجه نکرد»: لَمْ يَلْتَفِتْ، مَا التَفَتْ (رد گزینه ۴) / «با پدرش»: مَعَ أَبِيهِ (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

۱۲۵- گزینه «۲»

(همیرضا قانرازمینی)

در این گزینه، مانند حدیث صورت سؤال، به این نکته اشاره شده است که عده‌ای با نماز و عبادت خود، مردم را فریب می‌دهند، درحالی که در زندگی خود، التزام و پایبندی به آموزه‌های دین ندارند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: به عرضه شدن امانت الهی بر مخلوقات خداوند و پذیرفتن این امانت توسط انسان اشاره دارد.

گزینه «۲»: شاعر، فریب و نیرنگ را جزء طبیعت و سرشت جهان دانسته است.

گزینه «۴»: شاعر به آثار صدق و راستی در طریقت عشق (مسیر رسیدن به معشوق) اشاره کرده است.

(مفهوم)

۱۲۶- گزینه «۴»

(اسماعیل علی پور)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «اللغائبین» و «مجهول» نادرست است و صحیح آن «للمخاطبین» و «معلوم» است.

گزینه «۲»: «جمع سالم للمذكر» نادرست است و صحیح آن «جمع مکسر» است.

گزینه «۳»: «مبنی» نادرست است و صحیح آن «معرب» است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۲۷- گزینه «۴»

(همیرضا قانرازمینی)

در این گزینه، کلمه «عشرین» غلط است و باید به جای آن، کلمه «عشرین» بیاید؛ زیرا عدد دهگان است و باید به صورت جمع مذکر سالم باشد.

نکات مهم درسی:

اعداد دهگان «۲۰ تا ۹۰» در زبان عربی به صورت جمع مذکر سالم می‌آیند. (فبیط حرکات)

۱۲۸- گزینه «۳»

(سیره میا مؤمنی)

المكروب: اندوهگین ← کسی که به خاطر دست یافتن به چیزی که خواسته است، خوشحال و خندان باشد! (نادرست)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اسیران ← کسانی که در جنگ شکست می‌خورند و به دست دشمن گرفته می‌شوند!

گزینه «۲»: حکایت کرد ← حکایتی را که در زمان گذشته اتفاق افتاده است، روایت کرد و گفت!

گزینه «۴»: مشک ← آنچه از آهوها گرفته می‌شود، عطر خوشی دارد و در صنعت عطر استفاده می‌شود!

(واژگان)

۱۲۹- گزینه «۲»

(بهروز هیدرکی)

«حول» اسم است و پس از آن مضاف‌الیه و مجرور می‌آید (رد گزینه ۳) از طرفی، چون می‌خواهیم جملهٔ وصفیه داشته باشیم، اسم نکره به کارمان می‌آید (رد گزینه ۴) و چون «يَقَعُ» مذکر است، باید در جای خالی هم از اسم مفرد مذکر استفاده کنیم (رد گزینه ۱).

(انواع عملات)

۱۳۰- گزینه «۴»

(ولی برهیی- ابهر)

تشریح گزینه‌ها:

در گزینه «۱»، «لام» حرف جر است که بر سر اسم آمده است («تعلّم» مصدر است و مصادر نیز اسم هستند و حروف جر بر سر اسم می‌آیند). در

گزینه «۲» نیز هر دو حرف «لام» بر سر اسم آمده‌اند و حرف جر محسوب می‌شوند. در گزینه «۳»، «لام» بر سر ضمیر «کم» آمده و حرف جر است،

ضمایر نیز اسم هستند. اما در گزینه «۴»، «لام» بر سر فعل مضارع آمده است و حرف جر نیست، بلکه از حروف ناصبهٔ مضارع و به معنای «تا، تا اینکه، برای اینکه» است (معنای عبارت: خواهر کوچکم از جایش برخاست تا مرا گرامی بدارد).

(قواعد فعل)

تاریخ و جغرافیا (۳)

۱۳۱- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)

احمد شاه پس از مدتی، تصمیم به بازگشت به ایران و حفظ سلطنت گرفت. انگلیسی‌ها وقتی که از تصمیم شاه برای عزیمت به ایران مطلع شدند، نزد او رفتند و ضمن مبالغه‌گویی در اوضاع آشفته ایران، صلاح او را در این دانستند که مدتی از رفتن به ایران چشم‌پوشد تا رضاخان بتواند امنیت لازم را برای حضورش در کشور فراهم آورد.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه ۹۴)

۱۳۲- گزینه «۲»

(علی‌محمد کریمی)

در نیمه اول جنگ جهانی دوم، نیروهای محور (آلمان، ایتالیا و ژاپن) به شرق اروپا و بالکان هجوم برده و کشورهای آن منطقه را زیر سلطه خود درآوردند و سپس سرتاسر شمال آفریقا را صحنه جنگ نمودند. حدود دو سال از جنگ سپری شد و دولت‌های محور پیروز میدان بودند.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه ۱۰۵)

۱۳۳- گزینه «۱»

(میلاد هوشیار)

سیاست موازنه مثبت، تسلیم شدن در برابر قدرت‌های بزرگ و اعطای امتیاز به آن‌ها را توصیه می‌کرد؛ بنابراین موافقت‌نامه واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی، اگرچه عملاً اجرایی نشد، ولی در حکم اتخاذ چنین سیاستی بود.

(تاریخ (۳)، نفع ملی شرین صنعت نفت ایران، صفحه ۱۱۸)

۱۳۴- گزینه «۴»

(علی‌محمد کریمی)

هیئت‌های مؤتلفه اسلامی پس از تبعید امام خمینی (ره)، مبارزه مسلحانه و ترور سران حکومت پهلوی را محور کار خود قرار داد و حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت را ترور کرد. پس از این واقعه، بیشتر اعضای این گروه دستگیر و چهار تن از آنان اعدام شدند و برخی هم به حبس‌های طولانی محکوم گردیدند.

(تاریخ (۳)، انقلاب اسلامی، صفحه ۱۳۲)

۱۳۵- گزینه «۳»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

با وقوع قیام پانزده خرداد، هدف مبارزه تغییر کرد و سرنوشت رژیم پهلوی هدف نهایی مبارزان شد.

(تاریخ (۳)، انقلاب اسلامی، صفحه ۱۳۰)

۱۳۶- گزینه «۱»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

اوقات شرعی شهرهای مختلف ایران که بر مبنای زمان واقعی و محلی است، متفاوت می‌باشد.

(جغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های جغرافیایی، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۱۳۷- گزینه «۱»

(فاطمه سقایی)

نگاهی به نقشه گسل‌های تهران نشان می‌دهد که گسل شمال تهران از نوع هم‌گرا است و این نوع گسل‌ها نسبت به سایر گسل‌ها میزان تخریب و خسارت بیشتری را به دنبال دارند.

(جغرافیا (۳)، مقادرات طبیعی، صفحه ۸۴)

۱۳۸- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

اگر آبدهی رود آن‌قدر افزایش یابد که از ظرفیت رود فراتر برود و سرریز شود، سیل خسارت‌بار می‌شود.

(جغرافیا (۳)، مقادرات طبیعی، صفحه ۸۹)

۱۳۹- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

در مدل خزش، رسوبات سطح دامنه در مدت زمان طولانی و با حرکت کند و نامحسوس جابه‌جا می‌شوند.

(جغرافیا (۳)، مقادرات طبیعی، صفحه ۹۳)

۱۴۰- گزینه «۱»

(فاطمه سقایی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: دوره خشکسالی می‌تواند از چند ماه تا چند سال تداوم داشته باشد.

گزینه «۳»: منطقه وقوع خشکسالی ممکن است یک ناحیه کوچک، یک استان یا کل یک کشور باشد.

گزینه «۴»: خشکسالی ممکن است در هر نوع آب و هوایی اتفاق بیفتد.

(جغرافیا (۳)، مقادرات طبیعی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

تاریخ و جغرافیا (۱)

۱۴۱- گزینه «۳»

(ملیحه کریمی)

بنیان‌گذار سلسله اشکانیان، آرشک، از قبیله پرنی یا آپرنی در شرق ایران بود که بر فرمانروای سلوکی در ناحیه‌ای در حوالی قوچان امروزی شورید و پارت و گرگان را از دست سلوکیان خارج کرد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۹۱)

۱۴۲- گزینه «۴»

(میلاد هوشیار)

یکی از مهم‌ترین جنگ‌های اشکانیان و روم در زمان پادشاهی ارد دوم اتفاق افتاد. کراسوس، سردار مشهور روم با سپاهی بزرگ و مجهز به منطقه بین‌النهرین هجوم آورد، اما در جایی به نام حران، از سپاه ایران به سختی شکست خورد و سردار مغرور روم کشته شد. فرماندهی سپاه ایران را در جنگ حران، سردار بی‌باک و شجاع ایرانی، سورنا بر عهده داشت که با اجرای فنون گوناگون جنگی به پیروزی بزرگی دست یافت.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۹۳)

۱۴۳- گزینه «۳»

(میلاد باغ‌شیفی)

خسروانشیروان با استفاده از نیروی دریایی، یمن را از اشغال حبشیان که از سوی امپراتوری روم شرقی (رقیب ساسانیان) حمایت می‌شدند، نجات داد و باب‌المنندب و خلیج عدن را تحت تسلط خود درآورد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۰۷)

۱۴۴- گزینه «۳»

(میلاد باغ‌شیفی)

با به قدرت رسیدن خاندان ساسانی، سپاه دائمی و مجهزی به وجود آمد. اصلی‌ترین بخش این سپاه را سواره‌نظام سنگین اسلحه زره‌پوش تشکیل می‌داد که به آن آسواران گفته می‌شد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۱۰۶ تا ۱۰۸)



۱۴۵- گزینه «۳»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

در دوره ساسانیان، طبقه فرادست و حاکم، در مقایسه با گذشته، گسترش چشمگیری یافت و در درون خود دارای مراتب و درجات متفاوت شد. در این دوره، گروه جدیدی به نام دبیران به طبقه حاکم افزوده شد و قدرت و نفوذ اشراف و نجای درجه اول کاهش یافت و بر قدرت و نفوذ اشراف و نجای درجه دوم افزوده شد.

تشریح موارد غلط:

دوره کوتاه فرمانروایی مادها را باید سرآغاز ایجاد نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و شکل‌گیری طبقات اجتماعی به معنای واقعی آن دانست، ولی در زمان هخامنشیان با افزایش فتوحات و توسعه تشکیلات حکومتی، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی میان گروه حاکم و مردم عادی افزایش یافت.

در دوره هخامنشیان، به دلیل اهمیت فتوحات نظامی، گروه جنگجویان نسبت به دو گروه دیگر (روحانیان و کشاورزان و شبانان)، در جایگاه بالاتری قرار گرفت.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۳)

۱۴۶- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

متخصصان به دلیل اهمیت نسبت سنی در برنامه‌ریزی هر کشور از لحاظ سنی، جمعیت را به گروه‌های مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند. جمعیت کره زمین از لحاظ نسبت جنسیتی جز در زمان‌های خاص، تفاوت چندانی ندارد.

(پغرافیای ایران، پغرافیای انسانی ایران، صفحه ۶۷)

۱۴۷- گزینه «۲»

(فاطمه سقایی)

در دوره صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه عناصر اصلی تقسیمات کشوری به ترتیب عبارت بودند از: ایالت، ولایت، بلوک و قصبه.

(پغرافیای ایران، پغرافیای انسانی ایران، صفحه ۷۳)

۱۴۸- گزینه «۲»

(کنکور سراسری ۹۸)

شهرستان از چند «بخش» تشکیل شده است و توسط «فرماندار» اداره می‌شود.

(پغرافیای ایران، پغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

۱۴۹- گزینه «۱»

(کنکور خارج از کشور ۱۴۰۱)

هر شهرستان از به هم پیوستن چند بخش همجوار تشکیل شده که از نظر عوامل طبیعی و اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، واحد متناسب و همگنی را به وجود آورده است.

بررسی نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: دهستان کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند روستا، مکان و مزرعه همجوار تشکیل می‌شود.

گزینه «۳»: استان واحدی از تقسیمات کشوری است که با محدوده جغرافیایی معین، از به هم پیوستن چند شهرستان همجوار تشکیل می‌شود.

گزینه «۴»: بخش واحدی از تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند دهستان همجوار تشکیل شده است. هر بخش تابع شهرستان است.

(پغرافیای ایران، پغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

۱۵۰- گزینه «۱»

(علیرضا رضایی)

از بین عوامل شکل‌دهنده سکونتگاه‌های روستایی و شهری، آب بیشترین اهمیت را در شکل‌گیری سکونتگاه‌های ایران داشته است. افزایش جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی، زمینه‌ساز ایجاد شهرهای اولیه شد.

(پغرافیای ایران، پغرافیای انسانی ایران، صفحه ۷۸)

تاریخ و جغرافیا (۲)

۱۵۱- گزینه «۴»

(میلاد هوشیار)

خواجه نظام‌الملک توسی در تلاش بود که با تقویت حکومت مرکزی از طریق تقویت و توسعه نظام اداری مدنظر خود که مبتنی بر میراث اداری کهن ایرانی بود، ضمن ایجاد ثبات و استمرار، با نیروی سرکش امیران و نظامیان سلجوقی که به سنت‌های قبیله‌ای خود همچنان وفادار بودند، مقابله کند.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۶)

۱۵۲- گزینه «۲»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

شهرها در دوران حکومت‌های غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، از سه بخش کهندژ (ارگ)، شهرستان (شارستان) و شهر بیرونی (ربض) تشکیل می‌شد، با این تفاوت که شهر بیرونی در دوره سلجوقی بیش از ادوار پیشین گسترش یافت.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۰۷)

۱۵۳- گزینه «۴»

(جواد میربلوکی)

در اوایل دوره مغولان، نظام مالیاتی به هم ریخت و انواع و اقسام مالیات‌ها که شمار آن‌ها به دهها مورد می‌رسد، رواج یافت.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۲۴)

۱۵۴- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)

یکی از تحولات مهم دوران ایلخانان و تیموریان، رشد قابل توجه تصوف و طریقت‌های صوفیانه بود. هجوم ویرانگر و وحشت‌انگیز مغول به ایران و نگرانی و ناامیدی که در جامعه ایجاد کرد، نقش مؤثری در روی آوردن مردم به تصوف و رفتن به درون خانقاه‌ها داشت.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۲۷)

۱۵۵- گزینه «۴»

(میلاد هوشیار)

شهر و شهرنشینی در عصر تیموریان برخلاف اوایل دوره مغول، دچار رکود و زوال نشد.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۱۹)



فلسفه دوازدهم

۱۵۶- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)

فعالیت‌های نوع سوم به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در فرایند آن‌ها خدماتی به دیگران ارائه می‌شود؛ مانند حمل‌ونقل، بانکداری، امور پزشکی و درمانی، امور آموزشی، قضایی، خریدوفروش، تجارت و مانند آن.

(یغرافیا (۲)، نوامی انسانی، صفحه ۸۴)

۱۵۷- گزینه «۴»

(علیرضا رضایی)

- ذرت به‌طور وسیعی در اغلب نواحی دنیا کشت می‌شود. ایالات متحده آمریکا حدود ۴۰ درصد ذرت جهان را تولید می‌کند.

- بیشتر برنج دنیا در قاره آسیا به‌ویژه آسیای شرقی و جنوب شرقی، کشت می‌شود.

- فیلیپین و پاکستان با به‌کاربردن روش‌های علمی (انقلاب سبز) در تولید برنج به خودکفایی رسیده‌اند.

(یغرافیا (۲)، نوامی انسانی، صفحه‌های ۸۷ و ۸۸)

۱۵۸- گزینه «۳»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

امروزه صاحبان اغلب مزارع تک‌محصولی تخصصی شرکت‌های بزرگ به‌ویژه شرکت‌های چندملیتی هستند. شرکت‌های چندملیتی شرکت‌هایی هستند که معمولاً بخش مرکزی آن‌ها در کشورهای پیشرفته صنعتی قرار دارد و شعبه‌ها و کارخانه‌های مونتاژ آن‌ها در سایر نواحی ایجاد شده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: محل استقرار دفتر مرکزی این شرکت‌ها در کشورهای پیشرفته صنعتی قرار دارد.

گزینه «۲»: بیشتر مزارع تک‌محصولی نواحی استوایی در نزدیکی ساحل دریاها واقع شده‌اند تا بتوان از کشتی برای صدور محصولات به نواحی مختلف جهان استفاده کرد.

گزینه «۴»: این مزارع در کشورهای نواحی استوایی احداث شده‌اند.

(یغرافیا (۲)، نوامی انسانی، صفحه ۹۲)

۱۵۹- گزینه «۱»

(علیرضا رضایی)

شرح عبارت نادرست:

ب) کشورهای سرمایه‌داری صنعتی به سرمایه‌گذاری و ایجاد کارخانه‌های مونتاژ در نقاط دیگر جهان و بهره‌کشی از آن‌ها اقدام کردند.

(یغرافیا (۲)، نوامی انسانی، صفحه ۱۰۲)

۱۶۰- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

شاخص توسعه انسانی سه عامل را در بر می‌گیرد: درآمد و رفاه، نرخ امید به زندگی یا متوسط طول عمر، سواد و آموزش.

(یغرافیا (۲)، نوامی انسانی، صفحه ۱۰۴)

۱۶۱- گزینه «۴»

(حسن صدیقی)

اگر انسان بخواهد سخن درست و حق را از سخن نادرست و باطل تشخیص دهد، کار خوب و زیبا را از کار بد و زشت جدا کند، راه درست را از نادرست تمیز دهد، در رشته‌های علمی مانند ریاضیات، فیزیک و فلسفه پیش برود، دین و آیین حق را از دین و آیین باطل جدا سازد، دین و آیین خود را به خوبی بشناسد و در زندگی به خوبی تصمیم‌گیری کند، در مرتبه اول باید عقل خود را تقویت کند و از آن بهره ببرد. هر چند شناخت تجربی نیازمند همکاری حس و عقل است، اما برای تقویت داده‌های حسی نیازی به عقل نیست.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۳)

۱۶۲- گزینه «۲»

(حسن صدیقی)

در دوره دوم حاکمیت کلیسا، یعنی در قرن‌های دهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب‌های ابن‌سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند (توجه به عقلانیت فلسفی در فهم دین مسیح).

دقت کنید که موارد مطرح شده در سایر گزینه‌ها پس از این مورد اتفاق افتادند و نتیجه مستقیم آن نبودند.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۱۶۳- گزینه «۱»

(کتاب آبی)

صدور عقل دوم از عقل اول بدون واسطه است، ولی دیگر عقول با واسطه عقول بالاتر پدید می‌آیند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: انسان توانایی رسیدن به تمامی حقایق را دارد، اما لزوماً به آن‌ها نمی‌رسد.

گزینه «۳»: توانایی فعالیت عقلی در نتیجه فیض‌رسانی از جانب عقل فعال است.

گزینه «۴»: عبارت کاملاً مطابق با متن کتاب درسی می‌باشد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۶۳)

۱۶۴- گزینه «۴»

(سپا یغفرزاده هابری)

ما انسان‌ها چون توانمندی‌های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است در استدلال عقلی و یا در فهم وحی دچار اشتباه شویم و به نتیجه‌های نادرست برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده‌های وحی تعارض‌هایی وجود دارد. با توجه به این نکته آنچه که باعث این تعارض ظاهری می‌شود توانمندی محدود عقل است که در فهم وحی گاه دچار اشتباه می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هر چند تعارض حقیقی بین عقل و دین وجود ندارد؛ ولی همواره هم این‌طور نیست که عقل در تمامی موارد مؤید دین باشد. زیرا امکان خطا در تحلیل عقلی ما وجود دارد.



گزینه «۳»: ابن سینا نمی گوید که ما اصلاً نمی توانیم درباره خیر یا شر بودن این وقایع داوری کنیم. بلکه منظور او این است که نباید شرّ نسبی یک پدیده نسبت به پدیده دیگر را به کل نظام طبیعت تسری دهیم. آن امر در مجموعه نظام شرّ نیست و خیر است.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه ۸۱)

۱۶۸- گزینه «۴»

(سبا پعفرزاده صابری)

از نظر ابن سینا تأمل در رابطه طبیعت با ماورای طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده‌ها منجر به عبور از ظاهر پدیده‌ها و رسیدن به باطن آن‌ها می‌گردد و همچنین خشوع و خشیت در برابر حق را ایجاد می‌نماید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: جهان طبیعت به عنوان یک کل طبع و ذات معینی دارد که در ذات خود دارای مقصد خاصی است پس با ذات اجزای آن متفاوت و متمایز می‌باشد.

گزینه «۲»: لفظ «کنار گذاشتن» نادرست است. عالم حقیقی از ظواهر عبور می‌کند نه اینکه آن‌ها را به طور کامل کنار بگذارد.

گزینه «۳»: انسان با بررسی رابطه طبیعت با مبدأ وجود (خداوند) از ظواهر عبور می‌کند، نه صرفاً با بررسی پدیده‌های طبیعی.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه‌های ۸۰ و ۸۱)

۱۶۹- گزینه «۲»

(نیم پواهری)

سهروردی اغلب ایام سال روزه داشت و در خلوت خود به ذکر و عبادت مشغول بود تا آنکه به مقامات عالی عرفان و برترین درجات حکمت نائل شد. در همین دوره، مهم‌ترین کتاب خود «حکمة الاشراق» را نوشت و مکتبی جدید را در فلسفه اسلامی ارائه کرد. سهروردی در این کتاب از شیوه مشائیان فراتر می‌رود و حکمت اشراقی را پایه‌گذاری می‌کند.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه ۸۳)

۱۷۰- گزینه «۳»

(نیم پواهری)

گاه باشد که امام تآله در ظاهر حاکم باشد و گاه به طور نهانی ... [در هر حال] او است که ریاست تامه دارد، اگرچه در نهایت گمنامی باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: حاکمیت حکیم متأله همیشه در ظاهر نیست.

گزینه «۲»: مقصود از ریاست حکیم متأله، ریاست از راه قهر و غلبه نیست. گزینه «۴»: جهان همیشه از تدبیر چنین حکیمی بهره‌مند نیست؛ زیرا ممکن است راه دیگری برود و از تدبیر چنین حکیمی بی‌بهره گردد و ظلمت و تاریکی بر آن سایه افکند.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه ۸۵)

فلسفه یازدهم

۱۷۱- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

ابزاری که انسان را با طبیعت مرتبط می‌سازد حس است. ما بر «پایه» حس و البته به وسیله عقل از اشیای مختلف استفاده‌های متناسب می‌کنیم. مثلاً برای تشنگی آب می‌نوشیم و هنگام گرسنگی غذا می‌خوریم. این استفاده‌ها بر پایه داده‌های حسی هستند که البته توسط عقل پردازش می‌شوند.

گزینه «۲»: شکل دوم این مخالفت، مخالفت با منطق و فلسفه تحت عنوان دستاوردی یونانی است که ربطی به این مورد ندارد.

گزینه «۳»: منظور از نقش ابزاری عقل در این عبارت نقش آن در فهم متون، آیات، احادیث و ... می‌باشد و این تعارضی با نقش آن به عنوان منبع ندارد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۰، ۶۵ و ۶۶)

۱۶۵- گزینه «۱»

(سبا پعفرزاده صابری)

حدیث مربوطه عقل را به عنوان ابزاری در جهت دستیابی به دانش و نیز اساس و پایه هر علمی معرفی می‌کند، پس نشان از عقل در معنای اول آن یعنی ابزاری برای تفکر و استدلال دارد که تشخیص حق از باطل نیز نمودی از آن می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: تعارض ظاهری بین عقل و دین ممکن است، زیرا احتمال دارد که در عقل خود دچار خطا شویم.

گزینه «۳»: احادیث دینی نشان از دعوت پیامبر و اهل بیت به تعقل و اندیشه‌ورزی می‌باشد (معنای اول عقل) نه در معنای دوم آن یعنی وجودی مجرد.

گزینه «۴»: بالاترین مرتبه شهود وحی الهی است، نه شناخت عقلی.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۴ تا ۶۶)

۱۶۶- گزینه «۳»

(سبا پعفرزاده صابری)

هر چند رهبری حقیقی که واجد همه شرایط است کسی جز پیامبر خدا نیست؛ اما در نظر فارابی، جانشینان واجد شرایط پیامبر نیز پس از او باید عهده‌دار رهبری جامعه شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تفاوت اصلی مدینه فاضله و جاهله در هدف و سعادت آن دو است، نه ریاست.

گزینه «۲»: صرفاً در جهت سعادت بودن ملاک مدینه فاضله نیست؛ بلکه مردم جامعه بایستی به فضایی آراسته باشند که آنان را به سعادت حقیقی در دنیا و آخرت برساند. علاوه بر این، منظور از سعادت نیز باید سعادت دنیوی و اخروی باشد نه هر سعادت.

گزینه «۴»: دقت کنید که مسیر سعادت و کمال نفس انسان از زندگی اجتماعی عبور می‌کند، نه برعکس.

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در جهان اسلام، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

۱۶۷- گزینه «۴»

(نیم پواهری)

ابن سینا می‌گوید وقایع ویرانگر طبیعی تنها در مرتبه موجودات عالم طبیعت که موجب خسران یا ضرر به آن‌ها می‌شوند شرّ محسوب می‌شوند؛ اما در کل مجموعه نظام طبیعت موجب خیر هستند و لازمه جهان طبیعت و جهان مادی هستند. ذات این وقایع فی‌نفسه شرّ نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این وقایع در مجموعه نظام طبیعت موجب خیر هستند، نه شرّ و نابسامانی.

گزینه «۲»: این وقایع در نسبت با برخی پدیده‌ها موجب خسران و ضرر می‌شوند و این‌گونه نیست که خیر مطلق باشند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در شناخت حسی نیز خطا وجود دارد. خطای دید یکی از انواع این خطاها به حساب می‌روند. مثلاً ما بی‌زمانی را زمانی که در لیوان آب فرومی‌بریم، به طور شکسته می‌بینیم در حالی چنین چیزی حقیقت ندارد. گزینه «۲»: ما بر پایه حس از اشیاء استفاده می‌کنیم، نه «توسط» حس. عقل ابزاری است که با استفاده از داده‌های حسی امکان استفاده‌های مختلف از اشیاء را به انسان می‌دهد.

گزینه «۴»: علمی که بر پایه آزمایش و خطاست، شناخت تجربی است که حاصل همکاری عقل و حس می‌باشد؛ نه حس خالی.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۱۷۲- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

گزینه «۴» یک دانش ریاضی و هندسی است که صرفاً بر پایه استدلال کردن و عقل محض می‌باشد و حس در آن دخیل نیست. هر چند که می‌توان آثار و نتایج آن را در عالم طبیعت مشاهده کرد؛ اما اصل شناخت آن صرفاً بر پایه عقل است. فلسفه و ریاضیات از جمله علوم عقلانی محض می‌باشند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در این‌جا با بررسی و آزمایش‌های فیزیکی به این نتیجه می‌رسیم که نور هم خاصیت موجی دارد و هم ذره‌ای. بنابراین این شناخت یک شناخت تجربی می‌باشد.

گزینه «۲»: این شناخت نیز یک شناخت تجربی است. در علوم جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، ما با بررسی و پژوهیدن جوامع و گروه‌های مختلف به احکامی درباره جوامع پیشین یا جوامع کنونی می‌رسیم که هم بر پایه عقل و هم بر پایه حس می‌باشند.

گزینه «۳»: در این مورد نیز با توجه به آزمایشات علمی گزاره‌ای در حیطة دانش تجربی بیان شده است.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۴)

۱۷۳- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

ابزار وحی فقط مختص پیامبران است اما هر فردی که ایمانش را تقویت کرده و به تزکیه و تهذیب نفس بپردازد می‌تواند به شهود و الهامات قلبی برسد. بنابراین می‌توان گفت که وحی مختص افرادی مخصوص و برگزیده و شهود همگانی است. (تأیید گزینه ۱)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: هر چند وحی مختص پیامبران است؛ اما دیگر افراد هم به واسطه پیامبر می‌توانند از معارف وحیانی بهره‌مند شوند.

گزینه «۳»: هر دو ابزار پس از طی مراتبی به درجه معرفت می‌رسند.

گزینه «۴»: برای هر دو ابزار پاکی و تهذیب نفس ضروری است.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۳ تا ۵۶)

۱۷۴- گزینه «۲»

(سبا معقرزاده صابری)

الف) شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیاء این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند؛ برای مثال اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی‌داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ ظرف غذا می‌رویم.

ب) این‌گونه شناخت را بدان جهت شهودی می‌گویند که قلب انسان حقیقت را چنان درمی‌یابد که گویا با چشم می‌بیند؛ پس کاملاً یک شناخت درونی

است که فرد خود به آن می‌رسد و نمی‌تواند یافته‌های شهودی خود را به بقیه افراد منتقل کند و تعمیم دهد.

ج) عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی می‌تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی‌برد و قوانین طبیعی را بشناسد همچنین به شناخت حالات درونی نفس و یا تعقل محض برسد؛ پس از یافته‌های سایر ابزارها چون حس نیز می‌تواند بهره‌بردار.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۴)

۱۷۵- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی نژاد)

افلاطون ادراک حسی را بسیار پایین‌تر از ادراک عقلانی می‌دانست؛ ولی ارسطو یک فیلسوف طبیعت‌شناس بود و با اینکه ادراک عقلانی را بارزتر می‌دانست ولی بیش از افلاطون به ادراک حسی اعتقاد داشت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: جایگاه عقل و حس در نزد این دو فیلسوف یکسان نبود.

گزینه «۲»: افلاطون و ارسطو کوشش کردند راه‌های معتبر شناخت و روش‌های رسیدن به آن را تبیین کرده و راه‌های گریز از خطا را هم توضیح دهند.

گزینه «۳»: در نظر افلاطون آنچه جهان برتر را درک می‌کند عقل است و شهود از نظر او کمال قوه عقلانی انسان است، نه امری مقابل آن!

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۱۷۶- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

ابن‌سینا و فارابی به شهود و عرفان نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت اعتقاد داشتند اما بر خلاف سهروردی آن را وارد نظام فلسفی خود نمی‌کردند (تأیید بخش اول گزینه ۳). ملاصدرا یک نظام فلسفی را بنا نهاد که بر عقل و منطق استوار است، اما از شهود و وحی نیز به عنوان تأییدکننده استفاده کرده است. در نظام فکری ملاصدرا عقل، قرآن را تأیید می‌کند و قرآن نظام فکری ملاصدرا را. (تأیید بخش دوم گزینه ۳)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ابن‌سینا و فارابی نیز به شهود توجه داشتند ولی آن را وارد فلسفه خویش نمی‌کردند - ملاصدرا قرآن را پایه استدلال خویش قرار نمی‌دهد و استدلال‌های او عقلی هستند.

گزینه «۲»: سهروردی مانند تمام فلاسفه اسلامی، عقل و حس را نیز معتبر می‌داند - همان‌طور که گفته شد، وحی و آیات قرآنی مقدمات استدلال‌های فلسفی ملاصدرا را تشکیل نمی‌دهند؛ بلکه از آن‌ها صرفاً برای تأیید استدلال‌های خود بهره می‌برد.

گزینه «۴»: اندیشه‌های سهروردی نیز از عقل و استدلال بهره‌مند هستند - از نظر ملاصدرا اساساً تناقضی میان وحی و عقل وجود ندارد که بخواهد حل شود.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۱۷۷- گزینه «۳»

(سپین آفونری راهنمایی)

آنچه تجربه‌گرایان را از عقل‌گرایان جدا کرده است پذیرش یا عدم پذیرش عقل محض و گزاره‌های عقلانی محض می‌باشد. عقل‌گرایان چنین گزاره‌هایی را قبول دارند در حالی که تجربه‌گرایان منکر شناخت عقلانی مستقل هستند و عقل را صرفاً در کنار حس می‌پذیرند. اما سایر گزینه‌ها مورد قبول هر دو جریان فکری می‌باشد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۵)



۱۷۸- گزینه «۴»

(نیما پوراهی)

دکارت و کانت هر دو اموری را نام می‌برند که مستقل از حس و تجربه بوده و هرگونه درک اشیای خارجی و محسوس از طریق آن‌ها صورت می‌گیرد و شناخت تجربی متکی بر آن‌هاست (تأیید بخش دوم گزینه‌های ۳ و ۴). با این تفاوت که کانت آن‌ها را چونان دکارت شناخت‌های عقلی محض یا بدیهیات نمی‌داند بلکه آن‌ها را ساختارهای ذهن و قوای اندیشنده آدمی می‌داند که صرفاً صورت اندیشه هستند و خود محتوایی ندارند (مانند زمان و مکان و ...). پس از نظر کانت هیچ‌یک از شناخت‌های انسان فطری نیست (رد بخش اول گزینه‌های ۱ و ۳) و تنها شناخت ممکن شناخت تجربی یعنی شناخت داده‌های حسی از طریق این ساختارها است (تأیید بخش اول گزینه‌های ۲ و ۴). لذا شناخت اموری که از آن‌ها داده‌های حسی و تجربی در دست نیست (نظیر خدا و نفس مجرد) از نظر کانت ممکن نیست (رد بخش دوم گزینه‌های ۱ و ۲). بنابراین پاسخ صحیح گزینه ۴ است.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۳ و ۶۵)

۱۷۹- گزینه «۱»

(نیما پوراهی)

در گزینه اول فرد به طور کلی به انکار امکان شناخت پرداخته است و معتقد است انسان قادر به دستیابی به حقیقت نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: سخن گفتن از حقایق گوناگون و متکثر، نشان‌گر نسبی‌گرایی است.

گزینه «۳»: قائل بودن به وجود حقایق متضاد با هم و دعوت به پذیرش آن‌ها در کنار هم، نشان‌گر نسبی‌گرایی است.

گزینه «۴»: قائل بودن به اینکه حقیقت از منظرهای گوناگونی نگریسته می‌شود و یک تلقی واحد و ثابت از حقیقت نداریم، نشان‌گر نسبی‌گرایی است.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۶)

۱۸۰- گزینه «۲»

(علیرضا تمیزی)

از منظر مکتب پراگماتیسم که ویلیام جیمز، فیلسوف و روان‌شناس آمریکایی از پایه‌گذاران آن است، حقیقت یعنی شناخت مفید و دانشی که دارای کاربرد عملی باشد. بنابراین تفسیر از آنجایی که پزشکان سنتی بعضاً می‌توانستند براساس نظریه اختلاط طبع، بیماری‌ها را درمان کنند، پس می‌شود که این نظریه را تا حدودی دارای حقیقت دانست هر چند که مبانی آن از جمله وجود طبع‌های چهارگانه در انسان (بلغم و سودا و صفرا و دم) توسط علم مدرن به کلی نقض شده است.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۷)

منطق

۱۸۱- گزینه «۴»

(حسن صدیقی)

در تداخل، تنها از کذب جزئی می‌توان کذب کلی را نتیجه گرفت. از کذب کلی، کذب جزئی نتیجه نمی‌شود. بنابراین اگر از کذب متداخل یک قضیه به کذب خود آن برسیم، پس قطعاً متداخل آن جزئی و خود آن قضیه کلی است. پس قضیه «الف» نمی‌تواند گزینه چهارم باشد.

(منطق، املام قضایا، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

۱۸۲- گزینه «۳»

(سبا یعقوبزاده صابری)

سالبه جزئی همین قدر دلالت دارد که بخشی از افراد موضوع با افراد محمول متحد نیست و با آن مابینت دارد. لازمه این مابینت جزئی این نیست که بعضی افراد محمول نیز با افراد موضوع مابینت داشته باشند تا عکس آن نیز صادق باشد، بلکه اگر موضوع قضیه اصل، اعم از محمول خود باشد، قضیه اصل، صادق و قضیه عکس، کاذب است؛ مثلاً قضیه «بعضی حیوان‌ها انسان نیستند» صادق است، ولی عکس آن یعنی «بعضی انسان‌ها حیوان نیستند» کاذب است. پس چون عکس مستوی سالبه جزئی در برخی موارد صادق و در برخی نیز کاذب بوده است منطق‌دانان حکم کلی داده و گفته‌اند سالبه جزئی عکس لازم‌الصدق ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

دقت کنید که لزوماً این‌طور نیست که عکس سالبه جزئی در تمامی مصادیق صادق نباشد یا به عبارتی لزوماً کاذب شود. (رد گزینه‌های ۱ و ۴) (منطق، املام قضایا، صفحه‌های ۶۷ و ۶۸)

۱۸۳- گزینه «۳»

(حسن صدیقی)

عکس مستوی قضیه موجبه جزئی (صادق) = موجبه جزئی (صادق)
نقیض قضیه موجبه جزئی (صادق) = سالبه کلی (کاذب). در تناقض، از یک قضیه صادق ضرورتاً به یک قضیه کاذب می‌رسیم.

در مواردی که ترکیبی از احکام قضایا از ما خواسته می‌شود، باید از سمت چپ به سمت راست شروع کنیم. مثلاً اگر متداخل نقیض قضیه‌ای خواسته شده است، یعنی ابتدا باید آن قضیه مذکور نقیض شود، سپس متداخل نقیض به دست آمده نوشته شود. همچنین راحت‌ترین حالتی که می‌توان از موجبه جزئی صادق به کذب قضیه‌ای رسید رابطه تناقض است پس در گزینه‌ها به دنبال حالتی باشید که یک قضیه سالبه کلی به دست آید.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نقیض قضیه موجبه جزئی (صادق) = سالبه کلی (کاذب)
متداخل قضیه سالبه کلی (کاذب) = سالبه جزئی (نامشخص). در تداخل از کذب کلی ضرورتاً به کذب جزئی نمی‌رسیم.

گزینه «۲»: نقیض قضیه موجبه جزئی (صادق) = سالبه کلی (کاذب)
متضاد قضیه سالبه کلی (کاذب) = موجبه کلی (نامشخص). در تضاد از کذب ضرورتاً به صدق نمی‌رسیم.

گزینه «۴»: عکس مستوی قضیه موجبه جزئی (صادق) = موجبه جزئی (صادق)

متداخل قضیه موجبه جزئی (صادق) = موجبه کلی (نامشخص). در تداخل، از صدق جزئی ضرورتاً به صدق یا کذب قضیه کلی نمی‌رسیم.

(منطق، املام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

۱۸۴- گزینه «۴»

(حسن صدیقی)

اگر نقیض یک قضیه «بعضی الف ب نیست» باشد، پس خود قضیه «هر الف ب است» خواهد بود. همچنین چون نقیض این قضیه صادق است، خود این قضیه کاذب خواهد بود.

حال به ترتیب بررسی می‌کنیم:

متضاد: در تضاد از کذب به چیزی نمی‌رسیم، پس متضاد آن نامشخص خواهد بود.

عکس مستوی: در عکس مستوی تنها از صدق اصل قضیه به صدق عکس آن می‌رسیم و اگر اصل قضیه کاذب باشد صدق یا کذب عکس آن نامشخص است.

متداخل: از کذب کلی نمی‌توان به صدق یا کذب متداخل آن رسید.

(منطق، املام قضایا، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۸)



۱۸۵- گزینه «۴»

(علیرضا نمیری)
متضاد موجبه کلیه، سالبه کلیه است (رد گزینه ۱) متناقض موجبه کلیه، سالبه جزئیه است (رد گزینه ۲) متداخل سالبه کلیه، سالبه جزئیه است (رد گزینه ۳) اما عکس مستوی هیچیک از قضایای مطرح شده در صورت سؤال در بین قضایا وجود ندارد. عکس مستوی موجبه کلیه، موجبه جزئیه است و عکس مستوی سالبه کلیه، یک سالبه کلیه دیگر. سالبه جزئیه نیز اساساً عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد.

(منطق، اقسام قضایا، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۷)

۱۸۶- گزینه «۳»

(فرهاد قاسمی نژاد)
اقتران به معنای نزدیکی است و وقتی گفته می‌شود جزء «الف» با «ب» اقتران دارد یعنی در کنار آن قرار گرفته است. اگر حدوسط در مقدمه اول با موضوع اقتران داشته باشد؛ یعنی جایگاه حدوسط محمول است. و اگر در مقدمه دوم حدوسط با محمول اقتران داشته باشد یعنی جایگاه حدوسط موضوع است. بنابراین قیاس ذکر شده قیاس شکل اول است. برعکس آن هم می‌شود شکل چهارم.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۳)

۱۸۷- گزینه «۲»

(فرهاد قاسمی نژاد)
یکی از شروط قیاس معتبر تکرار لفظی و معنایی حد وسط به صورت عینی است. در این دو عبارت حد وسط یکی «ب» و دیگری مساوی «ب» است. پس در نتیجه به‌طور لفظی عیناً تکرار نشده و قیاس معتبری نمی‌توان با آن ساخت.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۴)

۱۸۸- گزینه «۱»

(فرهاد قاسمی نژاد)
برای تعیین دامنه مصادیق موضوع به سور قضیه نگاه می‌کنیم. سور کلی «هر و هیچ» در برگرفته همه مصادیق موضوع است و سور جزئی «بعضی» در برگرفته برخی مصادیق موضوع. برای تعیین دامنه مصادیق محمول به نسبت قضیه نگاه می‌کنیم. نسبت موجبه برخی و نسبت سالبه همه مصادیق محمول را در برمی‌گیرد.

در قضایای سالبه کلی همه مصادیق موضوع و محمول مورد نظر است و در قضایای موجبه جزئی بعضی از مصادیق موضوع و محمول مورد نظر است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

۱۸۹- گزینه «۱»

(علیرضا تقی‌پور)
گزینه «۱» تمامی شروط اعتبار قیاس را داراست. در گزینه «۲» هر دو مقدمه سالبه هستند. در گزینه «۳» چون یکی از مقدمات سالبه است باید نتیجه از نظر کیف تابع «سالبه» باشد. در گزینه «۴» حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۷)

۱۹۰- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی نژاد)
این قیاس شکل اول است و نامعتبر. مقدمات جابه‌جا شده است. برای تشخیص مقدمات به نتیجه توجه داشته باشید. موضوع نتیجه در هر کدام از مقدمات باشد آن مقدمه اول است و محمول نتیجه در هر کدام باشد مقدمه دوم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: شکل اول قیاس اقترانی است فقط مقدمات جابه‌جا شده است.
گزینه «۲»: شکل اول قیاس اقترانی است و معتبر.
گزینه «۳»: شکل چهارم قیاس اقترانی است فقط جای مقدمات جابه‌جا شده است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۷ تا ۸۰)

فلسفه یازدهم

۱۹۱- گزینه «۲»

(نیمه پواهری)
پی‌بردن به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت و شناخت قوانین طبیعی از طریق ابزار عقل و با شناخت تجربی حاصل می‌شود.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۱۹۲- گزینه «۳»

(مسین آفونری راهنمایی)
برخی از مواردی را که با حواس نمی‌توان درک کرد، می‌توانیم با شهود نیز درک کنیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: عقل می‌تواند خطای خود و خطای حس را تشخیص دهد.
گزینه «۲»: نسبت ماده و هوا عموم و خصوص مطلق هست مانند شناخت با استفاده از عقل و شناخت عقلی.

گزینه «۴»: این قضیه بدیهی است و قبل از تجربه در ذهن ما حضور دارد.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۲ و ۵۳)

۱۹۳- گزینه «۳»

(مسین آفونری راهنمایی)
انسان می‌تواند در مورد خود شناخت نیز شناخت و معرفت داشته باشد. گاه نیز انسان درون‌نگری یا همان علم به نفس و احوالات خود دارد که در این صورت معلوم نزد عالم حاضر است. پس گاه معلوم و عالم توأم با یکدیگراند. مفاهیم وحیانی با واسطه پیامبر به دست ما رسیده است، اما برای خود پیامبر بدون واسطه بوده است. پس هر دو عبارت نادرست هستند.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۴ و ۵۵)

۱۹۴- گزینه «۲»

(نیمه پواهری)
یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهاست. شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیا این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند؛ مثلاً اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی‌داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ ظرف غذا می‌رویم. این عمل به ما می‌فهماند که ما در تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نکرده‌ایم.

شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم نیز استوار است و دانشمند در هنگام بررسی داده‌های حسی، آن قاعده‌ها را در نظر دارد و از آن‌ها بهره می‌برد؛ برخی از این قواعد عبارت‌اند از: ۱. پدیده‌ها خود به خود پدید نمی‌آیند، بلکه هر پدیده‌ای نیازمند علت است. ۲. هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی‌آید. ۳. طبیعت، همواره یکسان عمل می‌کند.

عبارت مربوطه ربطی به خطا در شناخت ندارد اما سایر گزینه‌ها کاملاً صحیح می‌باشد.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)



۱۹۵- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

این جمله که بیانگر دیدگاه سوفسطائیان است، تطابق با واقعیت را به عنوان ملاک حقیقت و شناخت صحیح رد می‌کند. پیش از این، عقیده بر آن بود که شناخت زمانی وجود دارد و صحیح است که با واقعیت بیرونی که مورد شناخت واقع می‌شود، مطابقت داشته باشد. اما سوفسطائیان و بالاخص پروتاگوراس بر این باور بودند که معیار شناخت خود انسان است. هر شناختی برای هر کسی درست است و حقیقت همان است که هر نوبت به نظر هر کس می‌رسد، نه آن چیزی که با حقیقت خارجی مطابق است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: نظر سوفسطائیان انکار وجود هرگونه باور و شناخت نیست؛ اما ملاک آن تطابق با واقعیت نیست، بلکه تطابق با افراد و انسان‌هاست. گزینه «۳»: غالب و اکثر سوفیست‌ها منکر وجود خارجی نبوده‌اند. گریاس یکی از سوفیست‌هاست که در آرای خود وجود خارجی را رد کرده است. اما نظر او نیز در بین باقی سوفسطائیان تقریباً منحصر به فرد و سایر سوفسطائیان با او هم‌نظر و هم‌نوا نیستند.

گزینه «۴»: معنی این جمله نفی دانش و شناخت به طور کلی نیست، بلکه صرفاً نفی ملاک و معیار تطابق با واقعیت است. طبق نظر پروتاگوراس حصول دانش ممکن است و حقیقت آن است که هر نوبت به نظر افراد می‌رسد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۱۹۶- گزینه «۴»

(مسین آفوندری راهنمایی)

از نظر فلاسفه مسلمان انسان می‌تواند با استفاده از هر یک از ابزارهای عقل و شهود و وحی در موضوعات خاص به شناخت‌هایی دست یابد و این‌طور نیست که به هیچ نتیجه‌ای نرسد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فلاسفه مسلمان هر یک از ابزارها را در مواضع خودشان قبول دارند.

گزینه «۲»: هرگونه معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و اساساً فلسفه بدون عقل وجود ندارد.

گزینه «۳»: شهود و حیوانی مرتبه‌ای است که فقط به پیامبران اختصاص دارد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۱۹۷- گزینه «۴»

(نیما پوراهری)

می‌دانیم که معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد؛ یعنی نمی‌توان صرفاً با اتکاء بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فلاسفه اسلامی معرفت شهودی و وحیانی را نیز قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می‌دانند. (نه در همه مواضع)

گزینه «۲»: عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند.

گزینه «۳»: توجه شود که هرچند همه این روش‌ها معتبر هستند، اما این بدین معنی نیست که با انتخاب هرکدامشان به تنهایی بتوانیم به معرفت فلسفی دست یابیم. لازمه فلسفی بودن معرفت بهره‌مندی از قوای عقلانی است.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۳)

۱۹۸- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آن‌ها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. سایر گزینه‌ها با توجه به نظریات فلاسفه صحیح می‌باشند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۱۹۹- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

با توجه به متن کتاب درسی، فردی که در معرفت‌شناسی به نسبی‌گرایی معتقد است، هرگز نمی‌تواند حکم قطعی و ثابت و کلی صادر کند. بنابراین معیار، همین جمله که «شناخت هرکس در همه مواضع معرفتی معتبر است» از آن جایی که یک اصل کلی و قطعی است پس نمی‌تواند از گفته‌های یک نسبی‌گرا باشد! سایر گزینه‌ها همگی به نوعی عدم قطعیت را در خود دارند.

در سایر گزینه‌ها با توجه به مشاهدات طبیعی و داده‌های تجربی حکم شده است که نسبی بوده و کلیت ندارد از این‌رو می‌تواند سخن فردی نسبی‌گرا باشد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۶)

۲۰۰- گزینه «۴»

(مسین آفوندری راهنمایی)

پراگماتیست‌ها معیار حقیقت را مانند عموم فیلسوفان مطابق واقعیت بودن نمی‌دانند. زیرا معتقد هستند که نمی‌توان به واقعیت اشیاء دست پیدا کرد پس هدف خود را کشف گزاره‌هایی که مطابق واقع باشند نمی‌دانند، بلکه به دنبال گزاره‌هایی هستند که سودمند و کارآمد برای ما باشند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۷)

روان‌شناسی

۲۰۱- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

باید راه‌حل انتخاب شده را ارزیابی کرد. این کار باعث می‌شود تا ملاک روشنی برای فهم موقعیت داشته باشیم.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۲۰)

۲۰۲- گزینه «۴»

(مهری باهدری)

زهر با تحلیل آزمون سراسری دی‌ماه مسئله خود را مشخص می‌کند تا به جای احساس مبهم، مسئله را به خوبی تشخیص دهد. در ادامه زهر با آزمایش کردن استراتژی آزمون تازه خود در آزمون‌های آزمایشی، به ارزیابی راه‌حل خود می‌پردازد و در نهایت با اجرای تصمیم تازه خود، روشش را در آزمون تیرماه بازبینی و اصلاح می‌کند. توجه داشته باشید که وجه تمایز دو مرحله ارزیابی راه‌حل و بازبینی راه‌حل اجرایی‌تر بودن دومی است.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

۲۰۳- گزینه «۲»

(همیدرضا تولکی)

در این مسئله، شخص می‌داند که دانش خوبی از بحث فنی ماشین دارد، پس توانمندی خود را می‌شناسد، بنابراین استفاده از راه‌حل غیرمنطقی، نسبت به سایر گزینه‌ها، غیرمحمول‌تر است.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۶)



۲۰۴- گزینه «۲»

(فرهار علی نژاد)

اگر به سؤال فاطمه دقت کنیم، او گفته است شخص هجده «روز» خوابیده است. پس می توان گفت این شخص می توانسته است فقط شبها خوابیده باشد. دلیل اینکه پدر فاطمه نتوانسته است جواب بدهد این است که طبق تجربه او، وقتی گفته می شود کسی «چند روز» خوابیده است، منظور «چند شبانه روز» است. پس اثر منفی انتقال (تجربه گذشته) در اینجا می تواند علت پاسخ اشتباه او به سؤال باشد.

در مورد گزینه «۱» باید گفت اثر نهفتگی لزوماً رسیدن به راه حل مسئله را تضمین نمی کند، بلکه احتمال رسیدن به پاسخ را بیشتر می کند.

(روان شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه های ۱۲۱ تا ۱۳۳ و ۱۳۱)

۲۰۵- گزینه «۲»

(همیدرضا توکلی)

در قسمت اول گزینه های «۱»، «۲»، «۳»، انتقال تجربه های گذشته اثربخش نبوده است. در قسمت دوم گزینه های «۲» و «۴» است که تغییر نگاه به مسئله باعث کشف راه جدیدی شده است.

(روان شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۲۱)

۲۰۶- گزینه «۱»

(فرهار علی نژاد)

دانشجوی مورد نظر درست است که تصمیم خود را به تأخیر انداخته است، اما طی مدتی که درگیر این تصمیم گیری بوده است، اولاً فعال بوده و ثانیاً در نهایت، با توجه به شرایط تصمیمی گرفته است. بنابراین، نمی توان گفت سبک اجتنابی دارد (رد گزینه ۲). ضمناً براساس علاقه او به حیطه مورد نظر و پافشاری او بر سر آن هم نمی توان گفت سبک احساسی دارد؛ زیرا در صورت سؤال اطلاعاتی مبنی بر غیرمنطقی بودن علاقه او نداریم (رد گزینه ۳). هیچ یک از عناصر سبک تکانشی هم در مورد این دانشجو مطرح نشده است (رد گزینه ۴). می توان گفت سبک منطقی نزدیک ترین سبک به شیوه اوست. چراکه هم مشورت کرده است و هم براساس امکان سنجی شرایط موجود بالاخره تصمیمش را گرفته است.

دقت کنید اینکه دانشجو در معرض اخراج از دانشگاه است (و حتی اگر اخراج می شد)، محصول شرایط دانشگاه است و فقط به دانشجو باز نمی گردد و بنابراین، این قضیه دلیل نمی شود که سبک منطقی نباشد و از سبک های ناکارآمد استفاده کرده باشد؛ وگرنه می شد گفت هرکس در زندگی اش به مشکلی خورده است، بی شک سبک تصمیم گیری غلطی داشته است!

(روان شناسی، تفکر (۲) تصمیم گیری، صفحه های ۱۴۳ تا ۱۴۷)

۲۰۷- گزینه «۱»

(همیدرضا توکلی)

با توجه به تعریف تعارض، چیزی است که در تصمیم گیری اتفاق می افتد نه در حل مسئله.

حل مسئله بر تصمیم گیری تقدم دارد اما علیت ندارد.

گزینه ایده آل فقط در تصمیم گیری مطرح است.

تصمیم گیری می تواند شامل همه گزینه های احتمالی باشد.

(روان شناسی، تفکر (۲) تصمیم گیری، صفحه های ۱۳۷ و ۱۳۸)

۲۰۸- گزینه «۲»

(مهری باهدری)

زمانی که سارا مجبور به انتخاب میان کاهش تبلیغات (اجتناب) و پاداش بیشتر به کارکنان خود (گرایش) و با انتخاب میان کاهش حاشیه سود (اجتناب) و فروش بیشتر محصول (گرایش) است، تعارض گرایش-اجتناب را تجربه می کند. همچنین در صورت انتخاب میان فروش بخشی از سهام (اجتناب) و پذیرش ورشکستگی (اجتناب) تعارض اجتناب-اجتناب را تجربه می کند و در نهایت، زهرا زمانی که مجبور به انتخاب میان افزایش طعم های بستنی (گرایش) و یا ورود به بازار دیگر محصولات لبنی (گرایش) است، چون مجبور به انتخاب میان دو امر خواستنی است تعارض گرایش-گرایش را تجربه می کند.

(روان شناسی، تفکر (۲) تصمیم گیری، صفحه های ۱۵۱ و ۱۵۲)

۲۰۹- گزینه «۱»

(موسا عفتی)

تصمیم گیری، عالی ترین و پیچیده ترین فعالیت شناختی انسان است.

(روان شناسی، تفکر (۲) تصمیم گیری، صفحه های ۱۳۷ و ۱۳۸)

۲۱۰- گزینه «۱»

(موسا عفتی)

در سبک احساسی، ملاک تصمیم گیری، عواطف و هیجانات زودگذر است. احساسی عمل کردن می تواند پیامدهای ناگوار داشته باشد.

(روان شناسی، تفکر (۲) تصمیم گیری، صفحه ۱۴۴)

اقتصاد

۲۱۱- گزینه «۳»

(نسرین هفتری)

بررسی گزینه ها:

گزینه «۱»: افزایش تولید ناخالص داخلی نسبت به سال پیش ← رشد اقتصادی است.

گزینه «۲»: صرفه جویی در مصرف و تولید کالاهای رفاهی در زمان حال و استفاده از آن امکانات و پس اندازها برای پیشرفت روش های تولید و زیرساخت هایی چون نیروگاه برق و جاده که امکان تولید بیشتر را در آینده فراهم می کند ← رشد اقتصادی است.

گزینه «۳»: انتقال از نقطه N به M ← کارا شدن تولید است.

گزینه «۴»: انتقال کل منحنی PPF به راست ← رشد اقتصادی است که به معنای تولید بیشتر از همه کالاهای (رفاهی و زیرساخت ها) است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه های ۱۱۷ و ۱۱۸)

۲۱۲- گزینه «۲»

(کنکور سراسری دی ماه ۱۴۰۱)

یک منشأ رشد اقتصادی، افزایش در منابع (جمعیت، سرمایه های فیزیکی، سرمایه انسانی) است؛ برای مثال:

- جمعیت در طول زمان رشد می کند، در نتیجه عرضه نیروی کار هم افزایش می یابد.

- سرمایه های فیزیکی هم می توانند با سرمایه گذاری در کارخانه ها، ساختمان ادارات، ماشین آلات و مغازه ها افزایش یابد.

- سرمایه انسانی با آموزش افزایش می یابد.

مؤلفه های پیشرفت اقتصادی:

● رشد اقتصادی

● شاخص های توسعه انسانی (نظیر بهداشت، سواد (میانگین سال های تحصیل) و امید به زندگی)

● شاخص توزیع عادلانه درآمد

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۱۷)



۲۱۳- گزینه «۲»

(معدری ضیائی)

الف) ۵۰ درصد درآمد ملی در اختیار ۳۰ درصد پردرآمد جامعه است؛ بنابراین باید مجموع سهم دهک‌های هشتم، نهم و دهم برابر با ۵۰ درصد باشد؛ پس داریم:

$$۱۵ + ۱۷ + ۵۰ = \text{سهم دهک دهم}$$

$$\Rightarrow \text{رد گزینه‌های ۳ و ۴} = ۱۸ - ۱۷ - ۱۵ = ۵۰ - \text{سهم دهک دهم}$$

همچنین می‌دانیم مجموع سهم تمامی دهک‌ها برابر با ۱۰۰ است؛ حال برای محاسبه مجموع سهم دهک‌های سوم و هفتم کافی است سهم دهک‌های معلوم را از ۱۰۰ کم کنیم:

مجموع سهم دهک‌های سوم و هفتم

$$\text{درصد} = ۱۰۰ - (۴ + ۵ + ۷ + ۷ + ۹ + ۱۵ + ۱۷ + ۱۸) = ۱۰۰ - ۸۲ = ۱۸$$

بنابراین مجموع سهم دهک‌های سوم و هفتم باید برابر با ۱۸ باشد (رد گزینه ۱) در نتیجه تنها گزینه «۲» صحیح است.

(ب)

۲۱۷- گزینه «۳»

(الف)

$$\frac{۱۸ + ۱۷ + ۱۵ + ۱۳ + ۹}{۷ + ۷ + ۵ + ۵ + ۴} = \frac{\text{سهم دهک ششم} + \text{هفتم} + \text{هشتم} + \text{نهم} + \text{دهم}}{\text{سهم دهک اول} + \text{دوم} + \text{سوم} + \text{چهارم} + \text{پنجم}}$$

$$= \frac{۷۲}{۲۸} = ۲ / ۵۷$$

ج) در توزیع درآمد به روش شاخص دهک‌ها مردم کشور به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌شوند؛ در نتیجه اگر جمعیت کل کشور ۴۰ میلیون نفر باشد، خواهیم داشت:

$$\text{میلیون نفر} = \frac{۴۰}{۱۰} = ۴ = \text{جمعیت هر دهک}$$

از آنجایی که یارانه شامل ۴ دهک پایین جامعه می‌شود؛ بنابراین ۱۶ میلیون نفر (۴ × ۴ = ۱۶) از دولت یارانه دریافت خواهند کرد.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۳ و ۱۲۴)

۲۱۴- گزینه «۱»

(معدری ضیائی)

بررسی موارد:

- درست است.

- غلط است؛ دوره پایانی حکومت صفویه، با تغییر و تحول سریع در اروپا و شکل‌گیری قدرتهای بزرگ در آن قاره مصادف بود.

- غلط است؛ توضیحات مربوط به دوره پهلوی است.

- درست است.

(اقتصاد، مقاسازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

۲۱۵- گزینه «۴»

(سارا شریفی)

بررسی عبارات صورت سؤال:

الف) غلط است؛ اقتصاددانان با اصطلاحاتی مانند: ثبات اقتصادی، استحکام اقتصادی، تاب‌آوری اقتصاد و پایداری بر مقاوم‌سازی اقتصادی تأکید می‌کنند.

ب) صحیح است.

ج) غلط است؛ وابسته نبودن اقتصاد ملی به اقتصادهای بیگانه را می‌توان با نام استقلال اقتصادی شناخت.

د) صحیح است. / ه) صحیح است. / و) صحیح است.

(اقتصاد، مقاسازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۴)

۲۱۶- گزینه «۲»

(نسرین معفری)

الف)

$$\text{واحد پولی} = ۱۸۵۰۰ = (۷۰ \times X) + (۳۰ \times ۱۵۰) = \text{میزان تولید کل در سال اول}$$

$$\Rightarrow ۴۵۰۰ + ۷۰X = ۱۸۵۰۰ \Rightarrow ۷۰X = ۱۴۰۰۰$$

$$\Rightarrow \text{واحد پولی} = X = ۲۰۰ \text{ (قیمت هر واحد خدمات)}$$

ب)

$$\text{تولید کل واقعی در سال دوم} = (۴۰ \times ۱۵۰) + (۶۵ \times ۲۰۰)$$

$$\text{واحد پولی} = ۶۰۰۰ + ۱۳۰۰۰ = ۱۹۰۰۰$$

$$\text{واحد پولی} = ۱۸۵۰۰ = \text{تولید کل اسمی در سال پایه} = \text{تولید کل واقعی در سال پایه}$$

$$\text{GDP واقعی سال اول} - \text{GDP واقعی سال دوم} = \text{نرخ رشد تولید واقعی سال دوم} \times ۱۰۰$$

$$\text{درصد} = \frac{۱۹۰۰۰ - ۱۸۵۰۰}{۱۸۵۰۰} \times ۱۰۰ = ۲ / ۷$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۱ و ۱۲۲)

(معدری ضیائی)

۲۱۷- گزینه «۳»

الف)

$$\text{نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اسمی در سال} = ۱۴۰۱$$

$$\frac{\text{تولید ناخالص داخلی اسمی سال} ۱۴۰۰ - \text{تولید ناخالص داخلی اسمی سال} ۱۴۰۱}{\text{تولید ناخالص داخلی اسمی سال} ۱۴۰۰} \times ۱۰۰$$

$$\text{درصد} = \frac{۱۵۸۴۰۰ - ۱۲۰۰۰۰}{۱۲۰۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۳۲$$

ب)

$$\text{نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در سال} = ۱۴۰۱$$

$$\frac{\text{تولید ناخالص داخلی واقعی سال} ۱۴۰۰ - \text{تولید ناخالص داخلی واقعی سال} ۱۴۰۱}{\text{تولید ناخالص داخلی واقعی سال} ۱۴۰۰} \times ۱۰۰$$

$$\text{درصد} = \frac{۱۴۷۶۰۰ - ۱۲۰۰۰۰}{۱۲۰۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۲۳$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۱ و ۱۲۲)

(نسرین معفری)

۲۱۸- گزینه «۲»

مواردی که در GDP محاسبه می‌شود:

خدمات پزشکان - خدمات رانندگان اسنپ - کار ساختمانی کارگران خارجی در کشور - خدمات پلیس - ارزش پوشاک صادراتی - خدمات پرستاران - خدمات معلمان - میزان نان تولیدی - ارزش فروش فروشگاه‌های زنجیره‌ای مواردی که در GDP محاسبه نمی‌شود:

- میزان ورق فولاد به‌کار رفته در تولید خودرو (کالای واسطه‌ای است).
- خرید و فروش وسایل دست دوم در سایت دیوار - خدمات هلال احمر - ارزش لنت ترمز به‌کار رفته در خودرو - تولید پوشاک با برند جعلی - خدمات مؤسسه خیریه محک - کار زنان برنجکار در زمین برای مصرف خودشان

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

۲۱۹- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

$$\text{ریال} = ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۰۰ \times ۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{ارزش مواد غذایی}$$

$$= ۱۵,۰۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

$$\text{ریال} = ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۰۰ \times ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{ارزش ماشین‌آلات}$$

$$= ۲۵۰,۰۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

$$\text{ریال} = ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۵,۰۰۰ \times ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{ارزش پوشاک}$$

$$= ۷,۵۰۰ \text{ میلیون ریال}$$



ب) در حیطه علوم اجتماعی و روان‌شناسی قرار می‌گیرد و از نوع «خوب‌تعریف‌نشده» است.

ج) به «تاریخ ادبیات» مربوط است و به دلیل مشخص بودن موضوع، می‌توان آن را «خوب‌تعریف‌شده» دانست.

د) در فلسفه اخلاق مطرح می‌شود و مسئله کاملاً پیچیده‌ای است که ابهامات زیادی دارد و از نوع «خوب‌تعریف‌نشده» است.

ه) به فیزیولوژی و پزشکی مرتبط است و تقریباً «خوب‌تعریف‌شده» است. (روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)

۲۲۶- گزینه «۴»

(فرهار علی‌نژاد)

اشتراک: تصمیم‌گیری نوعی حل مسئله است (نه برعکس)؛ زیرا در تصمیم‌گیری ما با این مسئله مواجه می‌شویم که بهترین انتخاب چیست (رد گزینه‌های ۱ و ۳). اختلاف: اولاً پاسخ‌های ممکن (اولویت‌ها) در تصمیم‌گیری همگی می‌توانند فرد را به مقصد برسانند، درحالی‌که در حل مسئله فقط یک راه ما را به حل مسئله می‌رساند. درثانی، در تصمیم‌گیری بحث انتخاب بهترین گزینه مدنظر است، اما در حل مسئله باید راه‌حل بازآفرینی شود (رد گزینه ۲).

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۳۷ و ۱۳۸)

۲۲۷- گزینه «۳»

(همیدرضا توکلی)

گزاره اول بر مشورت گرفتن تأکید دارد که کاری است عاقلانه گزاره دوم دال بر این است که زمان را نباید از دست داد = اجتنابی گزاره سوم بر کار ناگهانی دلالت دارد که می‌شود = تکانشی

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۲ تا ۱۴۷)

۲۲۸- گزینه «۳»

(مهری باهری)

دشواری تصمیم‌گیری تابع توانمندی، نگرش و تجربیات شخصی تصمیم‌گیرنده بوده و تعارض پیامد ناتوانی در تصمیم‌گیری است.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۳۹ و ۱۵۱)

۲۲۹- گزینه «۱»

(موسا عفتی)

تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و بدون تفکر، علاوه بر آسیب فردی، آسیب‌های روانی - اجتماعی همچون اعتیاد، ایدز، بزهکاری، خشونت، بی‌بند و باری و تصادفات جاده‌ای را به دنبال دارد.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۵۳)

۲۳۰- گزینه «۴»

(موسا عفتی)

مراحل	اقدام مورد نیاز	مثال توضیحی
۱	شناسایی و تعریف تصمیم موردنظر	انتخاب رشته تحصیلی
۲	شناسایی تعداد انتخاب‌ها یا اولویت‌های آن تصمیم	انتخاب رشته تحصیلی دوره متوسطه از بین چهار انتخاب
۳	بیان ویژگی‌های هر انتخاب یا اولویت	بررسی دروس هر رشته و ...
۴	ارزیابی پیامدهای هر انتخاب یا اولویت	امنیت شغلی و علایق تحصیلی
۵	اجرای بهترین اولویت	انتخاب رشته علوم انسانی
۶	تعهد و پایبندی به اجرای اولویت موردنظر	مطالعه دقیق هدفمند و کارآمد دروس این رشته
۷	بررسی پیامدها و نتایج اجرای اولویت موردنظر	پیشرفت تحصیلی مطلوب و ابراز رضایت تحصیلی

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۴۸)

ارزش پوشاک) = $\frac{2}{3} \times$ ارزش خدمات ارائه شده

میلیون ریال $= \frac{2}{3} \times 7,500 = 5,000$

= تولید ناخالص داخلی

میلیون ریال $15,000 + 250,000 + 7,500 + 5,000 = 277,500$

تولید ناخالص داخلی = $\frac{\text{تولید ناخالص داخلی سرانه}}{\text{جمعیت کشور}}$

ریال $= \frac{277,500}{50} = 5,550$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

۲۲۰- گزینه «۴»

(سارا شریفی)

درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI) در ایرلند ۵۵ / ۶۶۰ دلار PPP است. (اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۲۵)

روان‌شناسی

۲۲۱- گزینه «۱»

(کتاب آبی)

درک ناقص از مسئله زمانی رخ می‌دهد که هدف روشن نباشد. درگیر بودن، داشتن آگاهی کامل از آنچه که فرد انجام می‌دهد و نیز جدیت برای انتخاب راه‌حل بهتر، به دلیل تحت کنترل بودن فرایند و جریان حل مسئله است.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۶)

۲۲۲- گزینه «۲»

(فرهار علی‌نژاد)

دقت کنید که در صورت سؤال گفته‌ایم شخص در مورد مطلوبیت روش موردنظر «به نتیجه رسیده است». یعنی اینکه راه‌حل حداقل برای مدتی اجرا شده است و از مرحله ۲ (به کارگیری راه‌حل مناسب) گذر کرده است. از طرفی، صحبت از اصلاح «راه‌حل» یا جایگزینی راه‌حلی به جای راه‌حل دیگر هم نیست؛ بنابراین، می‌توان گفت او در مرحله ارزیابی راه‌حل است.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

۲۲۳- گزینه «۱»

(مهری باهری)

بزرگسالان بیشتر از کودکان از تجربیات گذشته، تأثیر می‌گیرند. اثر نهفتگی موجب نادیده گرفتن موانع حل مسئله می‌شود.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۲۱ تا ۱۲۳)

۲۲۴- گزینه «۲»

(مهم رسانی)

روشی که علی استفاده کرده است روش اکتشافی است که اجرای آن دستیابی به راه‌حل مسئله را تضمین نمی‌کند. بقیه موارد درست می‌باشند و همگی از ویژگی‌های روش اکتشافی می‌باشند.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۲۳ تا ۱۲۵)

۲۲۵- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

مسائلی که در علوم انسانی مطرح می‌شوند، عمدتاً (و نه کاملاً) از نوع «خوب‌تعریف‌نشده» هستند؛ در حالی که مسئله‌های علوم دیگر این‌گونه نیستند. در مورد موارد مطرح شده می‌توان گفت:

الف) به جغرافیا و علوم طبیعی مربوط و از نوع «خوب‌تعریف‌شده» است.

ریاضی و آمار (۳)

۲۳۱- گزینه «۳»

(ریمع مشتاق نظم)

ابتدا b_1 ، b_2 و b_3 را می‌یابیم.

$$b_1 = 1 + \frac{(-1)^1}{2} = 1 - \frac{1}{2} = \frac{2-1}{2} = \frac{1}{2}$$

$$b_2 = 2 + \frac{(-1)^2}{4} = 2 + \frac{1}{4} = \frac{8+1}{4} = \frac{9}{4}$$

$$b_3 = 3 + \frac{(-1)^3}{6} = 3 - \frac{1}{6} = \frac{18-1}{6} = \frac{17}{6}$$

$$b_1 + b_2 + b_3 = \frac{1}{2} + \frac{9}{4} + \frac{17}{6} = \frac{6+27+34}{12} = \frac{67}{12}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۵۳ تا ۶۰)

۲۳۲- گزینه «۳»

(مهمر بفریاری)

با توجه به دنباله داریم:

$$a_3 = a_1 + a_2 = 1 + 1 = 2$$

$$a_4 = a_2 + a_3 = 1 + 2 = 3$$

$$a_5 = a_3 + a_4 = 2 + 3 = 5$$

$$a_6 = a_4 + a_5 = 3 + 5 = 8$$

$$a_7 = a_5 + a_6 = 5 + 8 = 13$$

$$a_8 = a_6 + a_7 = 8 + 13 = 21$$

$$\Rightarrow a_6 + a_7 + a_8 = 8 + 13 + 21 = 42$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۵۳ تا ۶۰)

۲۳۳- گزینه «۳»

(اسماعیل زارع)

با توجه به اعداد گفته شده در سؤال داریم:

$$b_1 = 1$$

$$b_2 = b_1 + 2(1) + 1 = 1 + 2 + 1 = 4 = (2)^2$$

$$b_3 = b_2 + 2(2) + 1 = 4 + 5 = 9 = (3)^2$$

$$b_4 = b_3 + 2(3) + 1 = 9 + 7 = 16 = (4)^2$$

:

$$\Rightarrow b_n = n^2 \Rightarrow b_{30} = 30^2 = 900$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۵۳ تا ۶۰)

۲۳۴- گزینه «۱»

(مهمر بفریاری)

با توجه به دنباله داریم:

$$\frac{n=5}{\text{فرد}} \rightarrow a_5 = 3 \times 5 + 1 = 16$$

$$\frac{n=6}{\text{زوج}} \rightarrow a_6 = 6^2 = 36$$

$$\Rightarrow a_5 + a_6 = 16 + 36 = 52$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۵۲ تا ۶۰)

(مهمر بفریاری)

۲۳۵- گزینه «۲»

با توجه به سؤال داریم:

$$\frac{n=3}{\text{فرد}} \rightarrow a_3 = 2 \times a_2 + 3 \Rightarrow 27 = 2a_2 + 3 \Rightarrow a_2 = 12$$

$$\frac{n=2}{\text{زوج}} \rightarrow a_2 = 2 \times a_1 + 2 \Rightarrow 12 = 2a_1 + 2 \Rightarrow a_1 = 5$$

$$\frac{n=1}{\text{فرد}} \rightarrow a_1 = 2a_0 + 1 \Rightarrow 5 = 2a_0 + 1 \Rightarrow a_0 = 2$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۵۲ تا ۶۰)

علوم و فنون ادبی (۳)

۲۳۶- گزینه «۲»

(مجتبی فراهاری)

دو مورد نادرست است.

ب) نگرش شاعران و نویسندگان نسبت به جهان بیرون تغییر یافت و از کلی‌نگری و ذهنیت‌گرایی به جزئی‌نگری و عینیت‌گرایی تغییر کرد.
ه) در نثر این دوره واژه‌ها و ترکیب‌های عربی ناآشنا کمتر می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۶)

۲۳۷- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» به ترتیب واژه‌های «کابینه»، «کمیسیون» و «سماور» از زبان فرانسوی و روسی وام گرفته شده است.

نکته مهم درسی:

«کابین» در گزینه «۳»، کلمه‌ای فارسی و به معنی مهریه و صداق است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۳)

۲۳۸- گزینه «۲»

(سیدعلیرضا امیری)

وزن مصراع گزینه «۲»، «مفتعلن مفتعلن فاعلن» است و در هجای دوم مصوت بلند، کوتاه تلفظ می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۴)

۲۳۹- گزینه «۴»

(همید مهرئی)

بیت، دارای دو اختیار حذف همزه است: غیر از ← غیرِز، از این ← ازین

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۲۴۰- گزینه «۲»

(همید مهرئی)

همه ابیات، در وزن «مفعول مفاعیلن مفاعیلن» سروده شده‌اند که این بیت، فاقد اختیار تغییر کمیت مصوت است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در هجای چهارم در دو مصراع

گزینه «۳»: بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در هجای دوم مصراع دوم

گزینه «۴»: کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در هجای ششم مصراع اول و بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در هجای اول مصراع دوم

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۴)

جامعه‌شناسی (۳)

۲۴۶- گزینه «۳» (ارغوان عبدالملکی)
این پرسش که چگونه می‌توان معنای زندگی و معنای کنش انسان‌های دیگر را فهمید، یکی از پرسش‌های مهم و کلیدی برای اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است.

(جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه ۴۳)

۲۴۷- گزینه «۳» (ارغوان عبدالملکی)
شبهات شهادت‌طلبی، فدا کردن جان برای وطن و خودکشی دست شستن از جان و زندگی در دنیا و به استقبال مرگ رفتن است.

(جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه ۴۶)

۲۴۸- گزینه «۱» (ارغوان عبدالملکی)
انجام کار غیرعلمی، با نام علم ← داوری درباره‌ی درست یا غلط بودن عقاید و ارزش‌ها

معرفی جامعه‌شناسی تفهیمی - تبیینی ← تفهم مقدمه و پیش‌نیاز روش تجربی است.

اشتراک دلیلتای و ماکس وبر ← پدیده‌های اجتماعی با پدیده‌های طبیعی تفاوت دارند و هرچند جهان اجتماعی همانند جهان طبیعی، نظم و قواعد خاصی دارد اما انسان‌ها همانند موجودات طبیعی نیستند.

(جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه ۴۸)

۲۴۹- گزینه «۴» (کتاب آبی)
قوم‌نگاری: پژوهشگر برای مدتی با قومی که قصد تحقیق درباره‌ی آن‌ها را دارد زندگی می‌کند، خود را در شرایط فرهنگی آن قوم قرار می‌دهد و

کنش‌هایش را تجربه می‌کند تا آن‌ها را بهتر بشناسد.

مطالعه‌ی موردی: یکی دیگر از روش‌های کیفی است؛ اگر محقق بخواهد تمامی ابعاد یک پدیده‌ی اجتماعی خاص مثلاً یک فرد یا یک فرهنگ را مطالعه کند و عمق پنهان و منحصر به فرد بودن آن را نشان بدهد، از این روش استفاده می‌کند. در این روش موقعیت جغرافیایی، اوضاع جمعیتی، اقتصادی و ... به‌طور کلی جزئیات زندگی مردم بررسی می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه‌های ۵۰ و ۵۱)

۲۵۰- گزینه «۳» (کتاب آبی)
گزینه «۳» تنها گزینه‌ای است که ترتیب به‌وجود آمدن جامعه‌شناسی تفهیمی - تبیینی و وقوع نظریات قبل و پس از آن را به‌درستی بیان می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹)

۲۴۱- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

بیت بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» سروده شده است. اگر بیت را تقطیع هجایی کنیم، خواهیم داشت:

در	خ	را	با	ت	ط	ری	قت
-	U	-	-	ل	U	-	-
کین	چ	نین	زف	تس	ت	در	عه

ما	ب	هم	من	زل	ش	ویم
ل	U	-	-	-	U	-
د	ء	زل	تق	دی	ر	ما

ملاحظه می‌شود که در هجای پنجم مصراع اول و در هجای نهم مصراع دوم، هجای کوتاه، بلند تلفظ شده است. در هجای پنجم مصراع دوم، حذف همزه صورت گرفته است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۳۹ تا ۵۴)

۲۴۲- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

لفّ و نشر: زلف (لف ۱)، صبح (لف ۲) / کفر (نشر ۱)، ایمان (نشر ۲) / تشبیه (کفر ← حجاب) / تضاد (کفر و ایمان)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تضاد (وصل و هجران - غم و شادی) / لفّ و نشر (وصل و هجران (لف ۱ - لف ۲) / غم و شادی (نشر ۲ - نشر ۱) / بیت تشبیه ندارد.

گزینه «۳»: تضاد (دشمن و دوست - گل و خار) / لفّ و نشر (دشمن و دوست (لف ۱ - لف ۲) / گل و خار (نشر ۲ - نشر ۱) / بیت تشبیه ندارد.

گزینه «۴»: لفّ و نشر (قد و رخ و چشم (لف ۱ - لف ۲ - لف ۳) / سرو و گل و بادام (نشر ۱ - نشر ۲ - نشر ۳) / بیت تضاد و تشبیه ندارد.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

۲۴۳- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

تلمیح به داستان خسرو و شیرین / جناس همسان: «شیرین» در مصراع اول به معنای لذت‌بخش و دلنشین و «شیرین» در مصراع دوم نام معشوقه خسرو است. / مراعات‌نظیر: خسرو - شیرین

(علوم و فنون ادبی، بدیع، ترکیبی)

۲۴۴- گزینه «۲»

(ویدر رضازاده)

نوع لف و نشر در این بیت مشوش و در سایر ابیات از نوع لف و نشر مرتب است. (زلف ← زره) (خط ← دیو سلیمان)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: خط سبز ← شام سیاه / بناگوش ← سحر

گزینه «۳»: گل ← عارض / سرو ← قامت

گزینه «۴»: لب ← شکر / چشم ← بادام

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه ۵۸)

۲۴۵- گزینه «۳»

(سیرمهر هاشمی)

در این گزینه، تأکید شده است که نمی‌توان داستان عشق و عاشقی را به‌وسیله کلمات بیان کرد، اما در گزینه‌های دیگر، عشق هم مرهم است و هم زخم. هم شادی است و هم غم (مانند عبارت صورت سؤال).

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۶۵)

فلسفه دوازدهم

عربی زبان قرآن (۳)

۲۵۶- گزینه «۲» (نیمه پواهری)
اگر بخواهیم دلیل فارابی را برای رد تسلسل علل نامتناهی به بیانی دیگر صورت‌بندی کنیم، می‌توان گفت اگر تعداد علت‌ها بخواهد بی‌نهایت باشد، به معنی آن است که باید بی‌نهایت پدیده موجود باشد تا نوبت به معلول پیش روی ما برسد و چنین چیزی امکان‌پذیر نیست.
دقت کنید که نوبت وجود به معلول پیش روی ما نخواهد رسید نه علت (رد گزینه ۳).

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت دوم، صفحه ۴۳)

۲۵۷- گزینه «۴» (هسن صدری)
نتیجه نهایی برهان ابن‌سینا اثبات واجب‌الوجود بالذات است؛ یعنی وجود برای او صفتی ضروری است.
بررسی گزینه‌ها:
گزینه «۱»: نتیجه برهان فارابی است نه ابن‌سینا.
گزینه «۲»: مقدمه دوم برهان ابن‌سینا است، نه نتیجه آن.
گزینه «۳»: نتیجه برهان نیست، بلکه نتیجه برهان اثبات یک واجب‌الوجود بالذات است.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت دوم، صفحه‌های ۴۴ و ۴۵)

۲۵۸- گزینه «۲» (نیمه پواهری)
ابیات مذکور مربوط به نظریه «امکان فقری» ملاصدرا هستند. طبق این نظریه جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلال ندارد. اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می‌گردند و نور آن‌ها خاموش می‌شود.
(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت دوم، صفحه‌های ۴۶ و ۴۷)

۲۵۹- گزینه «۳» (کنکور سراسری ۹۹)
طبق نظر ملاصدرا همه موجودات و واقعیات جهان، عین وابستگی و نیاز هستند، بنابراین در نظریه امکان فقری، نیازمندی به خود وجود برمی‌گردد نه به ماهیت.
ملاصدرا می‌گوید، به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم، اگر به وجود واقعیات نگاه کنیم، می‌بینیم که این واقعیات، عین وابستگی و نیازند؛ در میان این موجودات، نمی‌توان موجودی را یافت که وابستگی به غیر و نیازمندی سراسر وجودش را فرانگرفته باشد.
(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت دوم، صفحه‌های ۴۴ تا ۴۶)

۲۶۰- گزینه «۱» (کتاب آبی)
ابن‌سینا می‌گوید هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و به حسب فطرت خود از بدی‌ها گریزان است. همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می‌نامیم. نه فقط مخصوص انسان‌ها بلکه برای همه مخلوقات (رد گزینه‌های ۲ و ۳). این عشق فطری و درونی است و با دلایل عقلی و فلسفی ایجاد نشده است (رد گزینه ۴).

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت دوم، صفحه ۴۸)

۲۵۱- گزینه «۳» (کتاب آبی)
«من: هر کس / «قرأ»: بخواند / «و هو شاب مؤمن»: (جمله حالیه) در حالی که جوان مؤمنی است (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «إِخْتَلَطَ»: آمیخته می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «أَحْمَهُ»: گوشتش (رد گزینه ۲) / «ذمه»: خونش (ترجمه)

۲۵۲- گزینه «۱» (پروز و بان)
«بعد انهدام مُدُن كثيرة فی الزلزلة»: بعد از ویرانی (ویران شدن) شهرهای زیادی (شهرهایی زیاد) در زلزله (رد گزینه ۲) / «المُهَنْدِسُونَ أَقْبَلُوا عَلَيْهَا»: مهندسان به آن‌ها روی آوردند (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «اهتموا على إعمارها مُجَدِّينَ»: با تلاش (تلاشگرانه) بر آبادانی (آباد کردن) آن‌ها اهتمام ورزیدند / «لَمْ يُضْعَفْ عَزْمُهُمْ فِي هَذَا السَّبِيلِ»: اراده‌شان در این راه ضعیف نشد (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

۲۵۳- گزینه «۳» (مفهم علی کاتمی نصرآبادی)
«دوستانم»: اصدقانی (رد گزینه ۴) / «به سوی ... بشتابید»: أسرعوا إلى ... (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «درست کردن کارهایتان»: إصلاح أعمالکم / «با تلاش»: (حال) مُجْتَهِدِينَ، مُجَدِّينَ (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

۲۵۴- گزینه «۱» (مفهم علی کاتمی نصرآبادی)
در این گزینه، «أَمَرْتُ: امر کردم» غلط است و درست آن «أَمَرْتُ: امر داده شدم» (به‌صورت مجهول) است و هم چنین «لَه» غلط و درست آن «لَه» است. (حرف «ل» وقتی به ضمیر متصل می‌شود، با حرکت فتحه خوانده می‌شود.)

(ضبط حرکات)

۲۵۵- گزینه «۴» (سیره مهیا مؤمنی)
در گزینه «۴»، حال نداریم؛ «الیوم» و «سعیداً» مفعول برای فعل «يجعل» هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «مُتَكَاسِلًا» حال برای «التَلْمِيذَ» است.
گزینه «۲»: «نَشِيطًا» حال برای «سعیداً» است. (دقت کنید «سعیداً» اسم علم و معرفه می‌باشد).
گزینه «۳»: «ضعيفات» حال برای «التلمیذات» است.

(حال)

پاسخ تشریحی آزمون شناختی ۱۹ اسفند ۱۴۰۱

دانش آموز عزیز!

اگر در آزمون‌های قبلی به سوالات آمادگی شناختی پاسخ داده‌اید از وضعیت پایه آمادگی شناختی خود بر اساس کارنامه آگاهی دارید. در این آزمون برنامه‌های حمایتی ما برای تقویت سازه‌های شناختی ادامه می‌یابد. این برنامه ارائه راهکارهای هفتگی و پایش مداوم دانش شناختی است. لطفاً برای سنجش آگاهی خود به سوالات پاسخ دهید و برای اطمینان از ماهیت راهبردهای آموزشی مورد سوال، پاسخ نامه‌های تشریحی را مطالعه فرمائید.

۲۶۱. کدام مورد را برای مدیریت منابع توجهی مفید می‌دانید؟

۱. وقفه‌های کوتاه مدت استراحت در زمان مطالعه
۲. تقسیم‌بندی تکالیف به اجزای کوچکتر
۳. با صدای بلند خواندن مطالب درسی
۴. همه موارد

پاسخ تشریحی: پاسخ ۴ صحیح است. همه موارد مطرح شده برای مدیریت منابع توجهی مفید است. وقفه‌های کوتاه‌مدت موجب افزایش توجه برای دوره‌های فعالیت می‌شود، تقسیم تکالیف به اجزای کوچک‌تر نیز امکان استراحت بین اجزا را فراهم می‌کند. با صدای بلند خواندن نیز موجب تقویت اطلاعات مهم می‌شود.

۲۶۲. کدام گزینه در مورد اجرای هم‌زمان چند تکلیف صحیح است؟

۱. باعث عملکرد بهتر فرد در هر دو تکلیف می‌شود.
۲. موجب کاهش کارایی هر دو تکلیف می‌شود.
۳. تاثیری در کارایی فرد ندارد.
۴. نمی‌دانم

پاسخ تشریحی: پاسخ ۲ صحیح است. اجرای هم‌زمان تکلیف‌ها نیاز به تقسیم منابع توجهی بین آنها دارد و کارایی فرد را در هر دو تکلیف کاهش می‌دهد. تکالیفی که کارایی فرد در آنها مهم است، مانند تکالیف درسی، نباید به صورت هم‌زمان انجام شود.

۲۶۳. کدام گزینه در مورد تغییر تکلیف درسی در فواصل زمانی مشخص درست است؟

۱. مفید است، چون یکنواختی تکلیف درسی را کم می‌کند و موجب عملکرد بهتر توجه می‌شود.
۲. مفید نیست و موجب حواسپرتی می‌شود.
۳. اثری بر عملکرد درسی ندارد.
۴. نمی‌دانم

پاسخ تشریحی: پاسخ ۱ صحیح است. تغییر تکالیف درسی و یا موضوع درسی در فواصل زمانی مفید است. این تغییر باید در شرایطی صورت گیرد که تکلیف قبلی در حد مطلوبی تکمیل شده باشد. به عبارت دیگر رهاکردن ناقص یک تکلیف و رفتن سراغ دیگری نباشد.

۲۶۴. کدام مورد برای به خاطر سپاری اطلاعات مفید است؟

۱. دسته‌بندی
۲. نوشتن
۳. با صدای بلند خواندن
۴. همه موارد

پاسخ تشریحی: پاسخ ۴ صحیح است. ذخیره اطلاعات بر اساس ارتباط معنایی بین آنهاست که دسته‌بندی این ذخیره را تسهیل می‌کند. هر نوع درگیر شدن با مطالب مثل نوشتن و با صدای بلند خواندن موجب تسهیل یادگیری آنها می‌شود.

۲۶۵. کدام نوع تکرار برای یادگیری مطالب درسی مفیدتر است؟

۱. تکرار هر چه بیشتر مطالب درسی به همان صورتی که در کتاب آمده در زمان یادگیری.
۲. تکرار مطالب درسی با روش‌های مختلف (کتاب درسی، آزمون، کتاب کمک درسی، تدریس)
۳. تکرار مطالب با فواصل زمانی مشخص.
۴. مورد ۲ و ۳

پاسخ تشریحی: پاسخ ۴ صحیح است. هر چند تکرار پیش‌نیاز یادگیری است، ولی تکرار هدفمند با روش‌های مختلف مفیدتر از تکرار خام اطلاعات است. علاوه بر این، تکرار با فواصل زمانی مناسب‌تر از تکرار فشرده پشت سر هم است.

۲۶۶. کدام مورد برای یادگیری ضروری است؟

۱. خواب
۲. تکرار
۳. تغذیه
۴. همه موارد

پاسخ تشریحی: پاسخ ۴ صحیح است. تکرار برای تسهیل فرایند یادگیری، تغذیه برای سوخت و ساز مرتبط با یادگیری و خواب برای تثبیت اطلاعات فراگرفته شده نیاز است.

۲۶۷. کدام گزینه در مورد یادگیری درسی درست است؟

۱. منابع مختلف درسی و کمک درسی موجب تسهیل و عمیق‌شدن یادگیری می‌شود.
۲. استفاده از یک منبع درسی کافی است.
۳. شنیدن تدریس‌های مختلف از یک موضوع مفید است.
۴. مورد ۱ و ۳

پاسخ تشریحی: پاسخ ۴ صحیح است. خواندن منابع مختلف و شنیدن از افراد مختلف علاوه بر تکرار مفید موجب عمیق‌شدن یادگیری می‌شود. یادگیری صرفاً چیدن تکه‌های مطلب در کنار هم نیست، هر فرد در توضیح مطالب با واژگان خود ارتباط معنایی آن را دوباره بازنمایی می‌کند. این بازنمایی‌های متفاوت موجب عمیق و ماندگار شدن یادگیری می‌شود.

۲۶۸. در خواندن یک متن برای یادگیری کدام مورد را مفیدتر می‌دانید؟

۱. نگاه انتقادی به متن
۲. نگاه تأییدی
۳. هر دو مورد
۴. نمی‌دانم

پاسخ تشریحی: پاسخ ۳ صحیح است. هر دو رویکرد مفید است. فقط در نگاه انتقادی نباید به اشتباه انگاری متن فکر کرد، بیشتر هدف از این نگاه عمیق‌شدن در مطالب ارائه شده و یافتن فلسفه پشت آن است.

۲۶۹. کدام گزینه در مورد اطلاع از راه حل‌های هکلاسی‌ها در مورد یک مساله صحیح است؟

۱. مفید است، چون مطلب را از دید دیگری می‌بینیم.
۲. مفید نیست، الگوی ذهنی خودمان به هم می‌ریزد.
۳. هیچکدام
۴. هر دو

پاسخ تشریحی: پاسخ ۱ صحیح است. یادگیری صرفاً چیدن تکه‌های مطلب در کنار هم نیست، هر فرد در توضیح مطالب با واژگان خود ارتباط معنایی آن را دوباره بازنمایی می‌کند. این بازنمایی‌های متفاوت موجب عمیق و ماندگار شدن یادگیری می‌شود.